



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبات - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵-۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال پنجم - شماره ۱۲۴۸

صفحه ۴۳۰۶

۳شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۲۸

میر: سید محمد شمشیری

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۷۱۰

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

بقیه صورت مشروح مذاکرات صد و شصت و هفتمین
جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۶
۲ - آگهی های رسمی » ۱۷

تذکره داده باشند.

رئیس - در صورت مجلس هم تذکر است ،
بچند نفر از آقایان برای اینکه متوجه باشند تذکر
دادم . دیگر نظری بصورت مجلس نیست؟ (ملک پور -
اجازه میفرمائید؟) بفرمائید آقای ملک پور .

ملکپور - ارفاقی را که بنده راجع بصادرات
و واردات عرض کردم اشتباهاً در صورت مجلس تن
نوشته شده است در صورتیکه بنده یونند گفتم تقاضا
میکم که اصلاح بفرمایند .

۳-بیانات قبل از دستور سه نفر از آقایان نمایندگان

رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود دیگر
نظری بصورت مجلس نیست؟ (گفته شد-خیر) چند نفر
از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند آقای
سزاوار بفرمائید ، ضمناً آقایان سعی بفرمایند که بطور
اختصار گفته شود .

سزاوار - بنده هیچوقت عادت ندارم که
بعنوان نطق قبل از دستور وقت مجلس شورایی
را اشغال کنم جز اینکه ضرورت ایجاد کرده است و
با حضور جناب آقای وزیر دارائی يك تذکراتی
دارم راجع بوضع اسف آور حوزه انتخابیه ام بمرض
میرسانم و البته هم اینجا تذکر میدهم که مقام ریاست
متوجه باشند که بنده یکریبم را که بایستی از وقت
استفاده کنم بیش از چند دقیقه استفاده نمیکنم

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۶۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه هشتم خرداد ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مشروح مذاکرات مجلس .
- ۲ - بیانات قبل از دستور سه نفر از آقایان نمایندگان .
- ۳ - بقیه مذاکره در اطراف لایحه جمع آوری مازاد غله .
- ۴ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف وزیر بهداری راجع به بهداشت شهرها .
- ۵ - موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مشروح مذاکرات مجلس

وسر کار هم این را تصدیق میکنید که نظر خصوصی
نداشتم آنوقت هم گفتم که اخطار خواهم کردم و
نکردم همینطور هم در صورت مجلس هست گفتم
اخطار خواهم کرد و اخطاری نکردم ، آقای مکی
بفرمائید .

مکی - بنده هم میخواستم همین قسمتی را
که آقای دهقان فرمودند بجناب آقای رئیس تذکر
داده باشم که مطابق آئین نامه جدید باید مقام
ریاست تذکر بدهند بعد اخطار ، بنده اصلاً نشنیدم
که جناب آقای رئیس تذکری بیننده داده باشند .

رئیس - تذکر بود در صورت مجلس تذکر است
اخطاری نکردم .

مکی - بنده اصلاً خودم نشنیدم که آقای رئیس

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست؟
دهقان - اجازه بفرمائید بنده عرضی داشتم
چون در جلسه قبل غائب بودم عرضی را که نسبت
بصورت مجلس ماقبل داشتم اجازه بفرمائید عرض کنم
در آن روز مقام ریاست بیننده اخطار کردند و بنده
آن روز هم عرض کردم که عملی نکردم که مستلزم
اخطار مقام ریاست باشد و چون بنده مقام ریاست را
شخص بیطرفی میدانم (صحیح است) امیدوارم که
رفع سوء تفاهم شده باشد و یقین داشته باشند که
آن روز بنده عرضی نکرده بودم که مستلزم اخطار
باشد و تقاضا میکنم که اخطار را لغو بفرمایند (صحیح
است) .

رئیس - بنده هم نظر خاصی بسر کار نداشتم

عین مذاکرات مشروح یکمده و شصت و هفتمین جلسه از پانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

و مقداری از وقت خود را میگذارم در اختیار آقای دکتر معظمی .

رئیس - این سابقه گذاشته نشود بهتر است که چند دقیقه خودتان استفاده کنید و بقبرها بگذارید برای دیگری.

سز اواری - عرض کنم که البته خاطر مبارک آقایان مستحضر است که حوزه انتخابیه بنده ساوه و توابع آن زرند و نوبران که قسمتهای بیلاقی است صادرات آنجا یک قسمت انار و انجیر است و یک قسمت دیگر انگور در هژده سنه متأسفانه تمام اشجار انار و انجیر خشک شده و واقفاً بطوری شده است که بنده تلگرافات متعددی داشتم و تا از نزدیک کسی نبیند و ناظر این وضعیت نباشد نمیداند که چه ظلمی طبیعت این اشخاص کرده است ، صاحبان باغات در آنجا خورده مالک هستند هیچوقت آنجا یک باغی که ۵۰۰ جریب باشد یک نفر مالک ندارد و تمام خورده مالک هستند سالی چهار میلیون تومان صادرات انار البته بیشتر و کمی انجیر است و بطور کلی خشک شده و بطوریکه آقایان میدانند تا پنجسال بار نمیدهد و بعد از پنجسال که باید بار بدهد باز آن بار اولیه را نمیتواند صاحبش از آن استفاده کند مدت هفتسال طول میکشد (آقای وثوق اگر بگذارند که آقای وزیر دارائی توجه کنند) و خطری که تهدید میکند این وضعیت را این است که البته در هر کجا یک عده سرمایه دارها هستند که اینها ممکن است به من بغض مالک این قسمتهایی که زارعین توانسته اند با دسترنج خود آباد بکنند و باغی تهیه کنند بشوند و این باغات را بشن بغض بخزند بعد یکمشت برهنه و گدا گرسنه تهیه بکنند البته بنده یک تقاضای فوق العاده ای ندارم و یک تحویل فوق العاده ای نمیخواهم بکنم ولی چیزی که هست این است که یک وام طویل المدتی باشخاص داده شود آنگاه بطوری که مقررات بانک کشاورزی اجازه میدهد بلکه بایستی یک قرضه تضمینی بدهند زیرا اگر بنا شود بیایند و بروند سراغ اینکه املاک ثبت شده باشد و مطابق آیین نامه ای که بانک کشاورزی دارد وام بدهند باز منظور حاصل نیست و یکمشت برهنه و عور و گرسنه بر افراد این مملکت افزوده خواهد شد حال گذشته از اینکه اخیراً بنده شنیدم که بانک کشاورزی یک قسمت از پولهای که بکشاورزان داده از کشاورز جزء البته از مالک که نمیگیرد شروع کرده بمطالبه آنها و ببلایه که وعده کرده اند که در قسمت زرند و نوبران که بلوکاتی است در حدود چهار پنجاه هزار نفر یک شعبه ای تأسیس کنند بنده از جناب آقای وزیر دارائی استدعا میکنم که نسبت باین موضوع یک اقدام عاجلی بفرمایند (آردلان - راجع براهم بفرمایند) نکته ای که قابل توجه است این است که تمام ساختمانهای خشک گلی آنجا بواسطه همین بارندگی زیاد امسال از بین رفته تمام اشخاص گوسفند هایشان از بین رفته یک خانواده ای که هفتصد رأس گوسفند داشته منحصر شده به ۱۴ گوسفند آنوقت ملاحظه بفرمایید خانواده ای که هفتصد رأس گوسفند داشته و خودش را اداره میکرد اینها رسیده به ۱۴ گوسفند که البته اینها واجب الرعایه هستند و البته اینها دو قسمت است یک قسمت اینکه سرما خشک کرده است و قسمت دیگر این که اخیراً در نوبران و معال دیگر

تگرگی آمده است و مقداری از دهات آنجا را از بین برده است و اگر آقایان بخواهند قسمتی از دهات آنجا را که صورتش در نزد بنده است و به بنده داده اند در این جاسم میریم : نور علی بیگ یاقوت آباد ، یحیی آباد ، عبدالله آباد ، شورتآب کچکان - جرج انبان - چهل قیان - انجیلوند و صد ها دهات دیگر که اینها تمام درختهای انار و انجیر این مجال خشکیده است و دیگر یک درخت وجود ندارد (صحیح است) بنده واقفاً بازم استدعا میکنم مجلس شورای ملی توجه بکند صدو پنجاه هزار نفر سکنه حوزه انتخابیه بنده باید عرض بکنم که اینها همه از طبقه کشاورزان هستند که با دسترنج خودشان با اسباب کار سابق باید قوت لایموت بدست بیآورند و امسال با این وضعیتی که پیش آمده باور بکنید اقلاً دو نلت اینها قوت لایموت ندارند و همینطور متحیر و سرگردان هستند . یکی از چیزهای دیگری که ممکن است در وضع اینها تأثیر داشته باشد و کمک بکند موضوع راه است راه ساوه را البته شروع کرده اند گذشته از این که این راه بنده یک وقتی عرض کردم در مجلس که این راه یکی از راههای اساسی است زیرا اگر امتداد پیدا کند بهمدان ملاحظه خواهید فرمود که در سال چند رازمخارج و سایر چیزها را از کردن دولت بر میدارد (صحیح است) مضافاً باینکه راه را ۸۵ کیلومتر کوتاه میکند آنوقت این راه ساخته نشده و از اول سال شروع کرده اند و همین شروع کردن راه یک قسمت از این کشاورزان بدیخت را مشغول میکند و بنده از جناب آقای وزیر دارائی که نظارت دارند استدعا میکنم که دستور بفرمایند در تمام طول راه یعنی از قسمت اول خاک ساوه تا یک قسمت از این کشاورزان بدیخت در آنجا مشغول بشوند (صحیح است) این عرض بنده بود فقط چیزی که هست از مقام ریاست استدعا میکنم که مقام ریاست چند دقیقه از بقیه وقت بنده را بجناب آقای دکتر معظمی بدهند برای ضایعه بزرگی که فوت مرحوم قزوینی پیش آورده است که همه مملکت را دچار تعبیر کرده است زیرا یک مرد دانشمند و فاضل فوق العاده با شخصیتی در این مملکت بوده بنده از فوت آن مرحوم کمال تألم و تأثر دارم و مجلس شورای ملی هم همینطور نسبت باین ضایعه بزرگ کمال تأثر را دارد (صحیح است) و بقیه را با آقای دکتر معظمی واگذار میکنم .

رئیس - آقای دکتر معظمی .

دکتر معظمی - اینجناب چون افتخار ریاست کهسیون فرهنگ مجلس شورای ملی و عضویت دانشگاه تهران را دارم وظیفه خود میدانم که احساسات خودم را بواسطه فقدان ناگوار دانشمند شهیر و علامه بی نظیر ایران یعنی میرزا محمدخان قزوینی اظهار دارم (صحیح است) مرحوم مغفور قزوینی قریب به نیم قرن از عمر خود را در ممالک مغرب زمین صرف تحقیق و مطالعه و تصحیح و نشر آثار تاریخی و ادبی اسلامی نمود و کتب گرانهای فارسی را که نسخه های خطی آن نادر یا منحصراً بود تصحیح و طبع کرد و از خطر نابودی نجات داد احساسات لطیف اسلام دوستی و وطن پرستی او بر همگان آشکار است (صحیح است) مرحوم قزوینی با وجود سوابق درخشان و خدمات

شایانی که نسبت بعلم و ادب این کشور انجام داده بود هرگز تظاهر نمیکرد ولی دوستداران علم و ادب در تمام ممالک اسلام و ممالک مغرب زمین قدر و قیمت او را میدانستند و نام او را با احترام میبردند . وجود او در کشور ما نشان میداد که این آب و خاک هنوز استعداد پروراندن مردان بزرگ را دارد میرزا محمد قزوینی بحقیقت افتخار ملت ایران بود (صحیح است) یقین دارم نمایندگان محترم مجلس بنام ملت ایران در این گفتار با من همدل و همداستانند (صحیح است) و در تعظیم آن استاد بزرگ و تقدیر آثار جاویدان او هم آهنگ و هم زبانند (صحیح است) خداوند آن مرحوم را غریق انوار رحمتش بدارد (انشاء الله) امیدواریم جوانان کشور چنین مردان بزرگ را در حقیقت پرستی و دانش پروری و مبین دوستی سرمشق خود قرار دهند و خدمات آنان را هیچگاه فراموش نکنند . در این موقع بانهایت تأثر و ملال مراتب تسلیت آقایان نمایندگان محترم و خودم را نه تنها به یازمانندگان آن مرحوم بلکه به پیشگاه دانشمندان ایران و تمام ملت ایران تقدیم میدارد (صحیح است . احسنت) .

رئیس - آقای یمن اسفندیاری .

یمن اسفندیاری - بنده هم از موقع استفاده میکنم نظر پارادتی که بر مرحوم قزوینی پیدا کردم که در دوره اول محصلین اعزامی به اروپا بنده افتخار داشتم باینکه خدمتگذاری آقایان را عهده دار باشم در اروپا مرحوم قزوینی را در پاریس خدمتشان رسیدم و در آنجا از ایشان استدعا کردم که چرا بایران نیایند فرمودند که من در اینجا بیشتر میتوانم بایران خدمت بکنم تا در خود ایران ولی آرزوی من کم ندارم این است که در ایران فوت بکنم و در ایران بخاک سپرده شوم و این یک قسمتی از بیانات ایشان بود و واقفاً بایستی بگویم :

سعدیا مردنکو نام میرد هرگز مرده آنست که نامش به کنوئی نبرند (صحیح است) بنده عریضی دارم راجع بعوزه انتخابیه خودم و موضوع مسافرتی که شش ماه و هفتاد روز طول کشید ولی فعلاً چون آقای معتمد دماوندی وقت خودشان را به بنده دادند و بنده امتنان دارم از ایشان که وقتشان را به بنده لطف کردند استفاده میکنم برای یک موضوع مهمتری که مرض آقایان برسانم و بعد اگر فرصت و مجال پیدا شد در آتیه عریضم را عرض خواهم کرد و آن موضوع راجع است به بیانات آقای دکتر بقائی که در مجلس شورای ملی در موقع استیضاح نسبت به مسافرت برادرم آقای نوری اسفندیاری کردند .

آقای دکتر بقائی در ضمن استیضاحی که اخیراً از دولت ساعد نموده اند در خصوص مسافرت آقای نوری اسفندیاری برادرم بلندن نیز با همان لحن استیضاح کننده که نسبت ببولت داشتند این موضوع را هم وسیله کرده و از یک مطلب کهنه و غیر واقعی مجدداً یادآوری فرمودند البته بهتر بود ذکاوت ایشان استنباط نمایند که تجدید مطلع کردن بعضی مطالب زننده حتی برخلاف مصلحت سیاسی و آزادی کشور است که آنقدر مورد علاقه شخصی ایشان نیز میباشد

آقای وزیر خارجه در آن روز متأسفانه در مجلس نبودند بعداً هم گویا مجالی پیدا نکردند که طبق اظهار خودشان و آقای نخست وزیر که به بنده فرمودند این مطلب را جواب داده باشند ولی بنده بر حسب تکلیف ملی و خانوادگی خود نمیتوانم این موضوع

را بلاجواب بگذارم آقای نوری اسفندیاری وزیر خارجه کاینه هژیر بسمت ریاست هیئت اعزامی نمایندگان ایران در سازمان ملل متفق بیاریس عازم شدند سفرای کبار و وزرای مختار ایران در خارجه خواستند از این موقع استفاده نموده و ایشان را در محل مأموریت خود از بعضی مطالب که مبیایست حضوراً بیان کنند مستحضر دارند چنانکه خود اینجناب هم قبل از مسافرت ایشان در سوئد لندن سویس ایطالی که رفته بودم شاهد این تمایلات و علاقه آقایان سفر او وزرای مختار ایران بودم در این صورت اگر آقای نوری اسفندیاری درسوئد روم و لاهه و سایر نقاط نمایندگان ایران را ملاقات و بمطاب آن ها رسیدگی نمودند هیچ وجه تعجب آور نیست که به لندن هم برای دیدار سفیر ایران که انتظار ملاقاتشان را داشتند مسافرت کرده باشند طبیعی است که در دنیای حاضر مغربین جراند و رادپوهامیل دارند برای این گونه مسافرتها جنبه های دیگری هم مطابق فکر و سیاست خودشان قائل شده منتشر سازند آقای مغرب رادپو لندن از آن مغربین هستند که شاید معتقدند برای جلب توجه مردم حتی گاهی هم از انتشار خبر دروغ نباید خود داری نمود (حائری زاده - تمام آنها بعداً تایید شد) لذا خبر سراسر مجموعی که در حقیقت از یکطرف لطمه به حیثیت ملی و سیاسی ایران زد و از طرف دیگر هم موجب این توهم شد که کشور های بیگانه از مسائل اساسی و داخلی کشورهای دیگر بخود اجازه مداخله میدهند غافل از اینکه امروز ایران در سایه پادشاه عظیم الشان محبوب و بیدار و آزادبخواهی اداره میشود که در عین حال که علاقه مند هستند روابط حسنه با کلیه دول همجوار و غیر همجوار روی اصل معاملات متقابله با نهایت حسن تفاهم برقرار باشد هرگز اجازه نمیفرمایند که کمترین مداخله از طرف هیچ کشوری در اموری که مربوط سیاست داخلی ایران است اعمال شود خوشبختانه پس از انتشار آن خبر دروغ رادپوهای انگلستان و ایران بطور صریح و رسمی هر گونه مذاکره را از طرف وزیر خارجه ایران با وزیر خارجه انگلستان تکذیب نمودند در اینصورت دیگر چنانداشته و ندارد که نماینده فهم وطن پرست برای استیضاح خود متوسل باین خبر مجعول تکذیب شده بشوند زیرا خودشان هم باید تصدیق داشته باشند که اقتضای ایران دوستی این است که این گونه مطالب غیر واقع را که ممکن است مولود اغراض خاصی هم باشد هرگز رجال سنجیده مجرب ایران نباید مورد قبول قرار داده برای مغرضین هم تهیه زمینه سوء استفاده نمایند انتشار این خبر علاوه بر اینکه مورد تفر مجلس شورای ملی و قاطبه ملت ایران است حتی از این نظر که انتساب این مصاحبه با آقای نوری اسفندیاری علاوه بر اینکه ایشان از رجال سیاسی مجرب ایران محسوب میشوند و در موارد سخت و مهم و حساس در مأموریتهای مختلفه خود همه گونه امتحان و تطبیق داشته اند چون از افراد خانواده هستند که در هیچ عصری جز خدمت بایران و هموطنان نظری نداشته غیر قابل قبول است چنانکه یکی از نمونه های بارز و تطبیق است این خانواده که هنوز ملت ایران و وصوم آقایان نمایندگان

مجلس شورای ملی از خاطر محو نکرده اند شادروان حاج معتمد السلطنه بوده اند .

در خاتمه عریض خود از همکاران محترم و هموطنان عزیز صمیمانه استرحام میکنم حال که وضعیت سیاسی دنیا خیلی درهم و آشفته است ما که جز آسایش نوع بشر و سعادت همه ملل عالم نظری نداشته و ندارم لاقلاً خودمان هم کاری نکنیم و متوجه باشیم که ندانسته آلت اغراض و ملامحه سیاسی بیگانگان نشویم (احسنت)

نمایندگان - دستور دستور .

رئیس - یک نفر دیگر هم هست آقای حاذقی اجازه بفرمایید صحبت کنند .

حاذقی - بنده برای روز دیگر عریضم را عرض خواهم کرد .

معتمد دماوندی - بنده اخطار دارم .

رئیس - مطابق چه ماده ای ؟

معتمد دماوندی - مطابق ماده ۱۶۹ که الان میخوانم :

دولت مکلف است جواب سؤال نمایندگان را منتها تا یک هفته بدهد و در صورتی که بعد از یک هفته حاضر بجواب نشد از طرف رئیس بازخواست میشود مگر در مطالبی که دولت استنثار آنها را لازم بداند در اینصورت در جواب سؤال لزوم استنثار را اظهار مینماید . بنده در حدود بیش از یک هفته است که سؤالی از آقای وزیر امور خارجه کرده ام . و هنوز حاضر بجواب نشده اند .

رئیس - سؤالهائی که بعنوان آقایان وزراء فرستاده شده است ایننامه آیین نامه جدید هم در ذیل آن نوشته شده است آقایان وزراء توجه بفرمایند که بسؤالاتی که از وزارتخانه ها شده قبل از این کوقت مقرر منقضی بشود برای جواب سؤال حاضر بشوند . این قسمت هم تذکر داده میشود .

معتمد دماوندی - بسیار خوب ، خیلی متشکرم .

۳- بقیه مذاکره در اطراف لایحه جمع آوری مازاد غله

رئیس - دستور بقیه لایحه جمع آوری مازاد غله بوده آقای اردلان بفرمایند .

اردلان - بنده از آقایان نمایندگان محترم استدعا میکنم که لایحه غله را امروز تصویب بفرمایند که هم تکلیف مالکین و اشخاصیکه باید مازاد غله بدهند معلوم بشود و دولت بداند که بچه تخورفتار بکند خاصه اینکه قسمتی از کشور ما که گرمسیر است محصولش هم بدست آمده و باید هر چه زودتر تکلیف اینکار معلوم بشود (صحیح است) در جلسه گذشته نماینده محترم آقای رحیمیان فرمایشاتی فرمودند و جناب آقای مسعودی نماینده محترم مجلس هم در روزنامه اطلاعات سه چهار مقاله مفصلی راجع بمازاد غله و آزادی نان و غله مرقوم داشته بودند که بنده خواستم در جواب آقایان فقط یک کلمه عرض کنم که ما تازمانی که سیلوهایمان را پر نکرده باشیم هیچوجه صلاح نیست که اینطور نظر داشته باشیم وقتی که ما آنچه که لازم بود در سیلوهای پر کردیم و انبارها را پر کردیم آنوقت ممکن است بفر دیگر بیقیمت (رفیع - سیلوهای هیچوقت پر نمیشود) والا این ممکن است موجبات زحمت عده ای را فراهم بکند در کمیسیون قوانین دارائی وقتی که صحبت شد برای یک چیز بود و آن آقای رحیمیان این بود که هر مالکی چقدر باید مازاد غله

بدهد و روی تشخیص مأمور اسباب زحمت مالکین فراهم میشد بعضیها را زیادت از میزان خودشان مطالبه میکردند و صدای آنها درمیآمد این بود که ما در کمیسیون قوانین دارائی باحضور آقای وزیر دارائی نشستیم و گفتیم که دولت در سال دوستانه هزار تن احتیاج به غله دارد و بنابراین ما بیاییم یکمخمسیش ثابتی قرار بدهیم که دیگر اشکال برای هیچکس پیش نیاید و هر مالکی بداند آن میزان مالیاتی که باید بدهد یک مقدار هم مازاد دارد و دولت و مردم هم راحت میشوند ۴۷ هزار تن جزو جمع مالیاتی در سراسر کشور بوده باضافه ۲۰ هزار تن جو که سه برابر این باضافه یک برابر مالیات در حدود ۱۸۸ هزار تن گندم و ۲۰ هزار تن جو میشود بنابراین منظور دولت باین ترتیب تأمین میشود و مردم هم راحت میشوند و هر کسی میداند که چه میزان باید غله بدهد . در سال ۲۸ وزارت دارائی معتقد بود چون در بعضی از نقاط کشور ایران ممکن است محصول خیلی خوب باشد بتواند مازاد را تا ۵ برابر گندم و سه برابر جو بگیرد باین ترتیب ۵ برابر باضافه یک برابر جزو جمع میشود ۲۸۰ هزار تن گندم باضافه ۸۰ هزار تن جو منظور این بود که این انبار گندم ماند گندم آزاد قیتمش ارزان میشود و تهیه اش راحت تر میشود . بنا بر این بقیه بنده آقایان نمایندگان محترم امروز یک تصمیمی اتخاذ فرمایند که زودتر باین لایحه رأی بدهیم و البته دو مسئله مهم هم هست که جناب آقای وزیر دارائی هم باید توجه بفرمایند که یکی را در هیئت وزیران مذاکره بفرمایند که در وزارت کشاورزی در طرز کشت ما یک تغییری بدهد ، ما نمیتوانیم فرنها در این مملکت با گاو آهن زراعت بکنیم باید کشت ایران را زیاد کرد آنهم البته بوسیله تراکتورهای که الان در گمرکها موجود است آنها را براه بیندازند که ما اصلاً هیچوقت مضیقه گندم نباشیم و بتوانیم حتی یک مقدار زیادی گندم از مملکت خودمان صادر بکنیم و یکی دیگر همان تذکری بود که نماینده محترم آقای سزاوار فرمودند راجع به راهها و این یکی از مسائل بسیار مؤثری است در جمع آوری غله ، ما الان بیش از صد میلیون ریال در بانک ملی ایران بابت اسفالت پول داریم این پول را همینطور راکد گذاشته اند و هیچکدام از معایب ما هم اصلاح نمیشود بنده گمان میکنم که دولت بتواند با این پول یک شرکت بزرگی ایجاد کند و اعتباری باشد که بتواند راههای عمده مملکت را اسفالت بکند یکی از راههای مهم همین راه بین تهران و همدان است که از نوبران میگردد قسمت دیگر راه ورامین است قسمت غار و فشافویه تمام اینها از راههای لازمی است که باید اسفالت بشود و وقتی انجام بگیرد بهبودی کاملی در اوضاع بوجود خواهد آمد ، جناب آقای سلطان العلماء هم سه مطلب داشتند که بنده بجناب آقای وزیر دارائی عرض میکنم یکی این بود که نگرانی داشتند از این که ما نوشته ایم پنج برابر ، کدام نقاط را در اینجا تشخیص میدهند پنج برابر البته این یک کار مشکلی است و اگر تشخیص با خود جناب آقای وزیر دارائی است هیچ مشکلی بوجود نخواهد آمد (صحیح است) ولی ممکن است پاره ای از مأمورین در بعضی از

شهرستانها بروند و مزاحم مردم بشوند و بگویند که این املاک شما شامل ۵ برابر است از این حیث ما میخواستیم که جناب آقای وزیر دارائی نگرانی ما را رفع کنند ، دیگر اینکه در کجا تحویل بدهند چون در قانون مینویسد که باید تحویل انبار های دولتی بدهند ممکن است این انبار بملک خیلی فاصله داشته باشد شما یک ملکی دارید که باید ۵۰ خروار گندم بدهد و با انبار دولت ۵۰ فرسخ فاصله داشته باشد این برای مالک يك تحمیل بسیار سنگینی است که باید در آئین نامه یا در خود قانون پیش بینی کرد که تا چه فاصله ای باید مالک حمل کند . نکته دیگر هم راجع به نرخ است ، نرخ را هم بعضی از آقایان نگران هستند و میگویند که ممکن است دولت در اینخصوص نرخ عادلانه ای تعیین نکند اینرا هم بنده گمان میکنم که آقای وزیر دارائی در این قسمت توجه خواهند فرمود که شکایتی از این قسمت فراهم نشود و جناب آقای کهیدم یادداشتی مرقوم فرمودند که راه شهریار را هم بنده عرض بکنم البته راه شهریار هم جزء راههای است که بایستی اصلاح بشود بنده بیش از این عرض ندارم و خاتمه میدهم و از آقایان نمایندگان محترم هم استدعا میکنم که باین لایحه امروز رای بدهند چون کارهای مهم دیگری که داریم مطرح بشود .

رئیس - آقای دکتر مظنی .

دکتر معظنی - نظر آقایان هست در موقعه آقای وزیر دارائی لایحه ای راجع بقله تقدیم مجلس کردند و منجر به این لایحه شد در فوریت آن بنده موافق بودم و علت موافقت من هم این بود که وزیر دارائی يك اختیاراتی خواسته بود که بتواند با آن اختیارات غله را جمع آوری بکند ولی وقتی که گزارش از کمیسیون آمد دیدیم که این گزارش کاملاً بر خلاف آن منظور اولیه بود و باین جهت بنده بعنوان مخالف با این گزارش خواستم صحبت بکنم و بنا بر این این قسمت را خواستم توضیح بدهم که سوء تفاهم نشود موقعی که مسائل مربوط بقله مطرح میشود سه موضوع را باید در نظر گرفت یکی اصولاً مسئله تولید غله است و دیگری حمایت کشاورزان و قسمت سوم هم آذوقه مردم است حالا میخواستیم به بینم که با این توضیحات این قسمتها با توجه سیاست دولت از طرف دولت آیا این مسائل بحث شده است یا نه متأسفانه در قسمت اول که عبارت باشد از حمایت کشاورزان و تشویق و تولید بایستی گفت که در این اواخر بهیچوجه توجه نشده است (صحیح است) و وقتی ما دارای يك وزارت کشاورزی هستیم که بودجه اش نسبت به پرداخت حقوقش زیاد است ولی متأسفانه نه کشاورزان استفاده میکنند و نه مالکین (صحیح است) بنا بر این در قسمت سیاست کشاورزی دولت با این کیفیت بایستی گفت که دولت هیچ سیاست کشاورزی در این قسمت ندارد و معلوم نیست که آیا مالکین بزرگ را تقویت کند یا مالکین کوچک را یا هر دو را اذیت کند بنا بر این ما میبینیم که وضعیت کشاورزی ما روز بروز بدتر میشود و نمونه اش فرار کشاورزان از مزارع است ، بسیار جاها دولت اگر توجهی نداشته باشد در آتیه نزدیک تمام مزارع خراب خواهد شد و

تمام مردم هم هجوم میآورند بطهران و معلوم هم نیست که برای چه کاری میآیند بنا بر این توجه فرمائید که یکی از مسائل مهم که بایستی توجه دولت را جلب بکند این فرار مردم از مزارع است ، مردم دهات را تخلیه می کنند و به مرکز میآیند ، اینهایی که میآیند بعنوان نظام وظیفه در طهران میمانند ، می بینند که طهران مزایایش از دهات بیشتر است یعنی می بینند برق هست ، طبیب هست همه وسائل هست و حتی ژاندارم هم نیست پس در نتیجه این قسمتها مردم میآیند در طهران و این یکی از خطراتی است که متوجه مملکت و متوجه پایتخت ما است بنا بر این در اینموقعی که لایحه غله مطرح است میخواستیم توجه دولت را باین قسمت جلب کنیم که دولت کافی نیست که اگر یکی دومین گندم داشته باشد بزور یکمن را از او بگیرد باید يك سیاستی را در پیش بگیرد که يك مملکتی که از سالهای متناهی مملکت کشاورزی بوده است باید محصول کافی داشته باشد و دولت برای حمایت کشاورزان بیخود نبود که نرخ را بالا برد برای این که آنها از زمین نروند ولی حالا وضع طوریست که يك مملکتی دارد کاملاً بصورت قبرستان در میآید تمام مزارع را تخلیه میکنند بعنوان مثال عرض میکنم خوزستان ، آقایانیکه تشریف برده اند و مخصوصاً نمایندگان خوزستان میدانند که خوزستان از نقاط حاصلخیز این مملکت است امسال وقتیکه من از آنجا عبور میکردم دیدم زمین هائیکه آنجا افتاده بود و نه هر کارون هم بود مرتش شده که چطور ممکن است در يك کشوری يك قسمت مثل خوزستان که باندازه مصر ممکن است حاصل بدهد ما بحال رکود انداخته ایم و نظرم است که بیکی از آقایان که همراه بود گفتیم که بایستی باین علمائیکه وقتی باران نمیآید میروند بصلی و درخواست میکنند که باران بیاید گفت که بیایند سجاده شان را در لب کارون بیاندازند و نفرین بکنند بوزراء و وکلای که این نواحی را دیدند و می بینند و کمک نکنند باین نواحی که آباد شود (صحیح است) يك چنین تقاطی را ما داریم ولی وقتی صحبت گندم میشود می بینم که اهالی خوزستان يك نانی میخورند که من واقف آنجا رفتم کردم و همینطور دشت گرگان ، دشت گرگان را شما اگر ملاحظه فرمائید از قسمت بندر شاه تا گنبدیکدشت وسیعی است که اگر توجهی بشود و این توجه چیست يك صحرایی است که این زراعت دیم بعمل میآورد چندان تراکتور لازم دارد و مقداری بنر و يك مقداری هم همت و غیرت که این ناحیه آباد شود متأسفانه بایستی ما بگوئیم که در این قسمتها هیچ توجهی نشده است و بنده مخصوصاً الان از این موقع استفاده میکنم و میخواهم از دولت درخواست کنم و مخصوصاً آئین نامه ماهم يك موضوعی را در نظر گرفته که موضوع تذکر بدولت است که اگر اصلاح اندیشی بشود بنده میخواستیم از دولت فعلی درخواست کنم که کارهای جاری را بگذارد فلاکتار دوسه روز بنشیند و در هم فکر بکند که برای این مملکت چه چیز لازم است این کارهای جاری امروز مردم را راضی نمیکنند مردم انتظار دارند که دولت يك کارهایی را بکند خدا میدانند باندازه ای گدا و گرسنه و بیکار ما روزها با آنها مواجه هستیم تمام نمایندگان در واقع می بینند (صحیح است) که ما جواب اینها را نمیتوانیم

بدهیم از هیئت برنامه هم بنده درخواست میکنم که برنامه هفت ساله را اگر بخواهند حالا همینطور کارها را عقب بیندازند و منتظر نقشه های دامنه دار باشند این درد مردم را دوا نمیکند مردم را راضی نمیکند يك کارهای تولیدی در دسترس مردم بگذارند و این خطری را که متوجه مملکت است ما اجتناب کنیم بنا بر این لازم بود که در موقع طرح این لایحه این قسمتها گفته شود ملاحظه کنید دولت يك املاک خالصه دارد و يك املاک واگذاری و در نتیجه عدم توجه تقریباً سالی ۱۷۰۰ تن گندم عاید دولت میشود در صورتی که دولت اگر توجهی داشت باین املاک خالصه و آنهارا بوسائل جدید مجهز میکرد تمام گندم مورد احتیاج خودش را از این قسمت میتوانست تأمین کند بنا بر این املاک خالصه يك قسمتش الان در حال مغزوبه است نه بپردم واگذار میکنند و نه خوب اداره میکنند و میخواستیم توجه دولت را باین موضوع جلب کنیم و اما مخالفتی که راجع بخود لایحه است بعقیده من این لایحه منظور وزارت دارائی را تأمین نمیکند چرا؟ برای اینکه وزارت دارائی مایل است از اشخاصیکه مازاد دارند تأمین آذوقه مملکت بشود و نظر کمیسیون هم این بوده است که حتی الامکان تماس مأمورین را با مردم کم بکنند (صحیح است) ولی تصمیماتی که در اینجا گرفته شده است بعقیده من متضاد است یعنی در يك جا تماس را کم کرده ولی نسبت بخرده مالکین زیاد کرده است و بنده حالا سؤالی از آقای وزیر دارائی دارم آقای وزیر دارائی در لایحه ای که تقدیم کرده اند پنج دلیل آورده اند که آن تبصره ای که در این جا تصویب شد آن تبصره صحیح نیست یکی از دلایشان این بود که پایه و اساس مالیات املاک مزروعی دولت را دچار اشکال کرده ولی با وجود بکه اقرار کرده اند که دولت دچار اشکال شده است ولی دو مرتبه در این لایحه دیده شده مورد عمل قرار داده اند این يك قسمت ، قسمت دیگر هم میگویند که حساب جزو جمع سابق در عمل موجب تبعیضاتی میشود با این که خود شما این اقرار را میکنید که مالیات جزو جمع باعث تبعیضاتی است باز در این جا پایه را روی قسمت جزو جمع قرار داده اند این یکی ، يك قسمت دیگر اینکه وصول مالیات در تبصره پنج تصویب شده نوشته اند که ضمانت اجرائی ندارد در این گزارش هم که تصویب شده است بنده باز ثابت میکنم که ضمانت اجرائی ندارد يك دلیل دیگر ضمن تبصره ۴ از ماده ۹ قانون گذشته مالیات وصولی تا آخر بهمن باشد اینهم اشکال دارد پس بنا بر این با دلایلی که دولت آورده این لایحه را داد و بدهم مورد موافقت کمیسیون واقع شده و گزارش آن آمده است بنده اسباب تعجب شد وقتی این را دیدم که نوشته است در سال ۱۳۲۸ در بعضی از نواحی عوض سه برابر پنج برابر ، و همین ماده واحده همان تبصره ۵ قانونی است که به تصویب رسیده بعقیده بنده این تبصره يك اشکالات اساسی دیگر برای مردم دارد و همچنین برای دولت ، دولت در سابق که بوسیله املاک مزروعی جنس جمع آوری میکرد يك تحویلدها را بکار میبرد ما روزها با آنها مواجه هستیم تمام نمایندگان در واقع می بینند (صحیح است) که ما جواب اینها را نمیتوانیم

زیاد کنند و این اسباب يك صغیر اضافی خواهد شد و با هم تماس مأمورین دولتی را با مردم زیاد خواهد کرد برای اینکه ایجاد کردن انبارها و استخدام تحصیلدار تمام اینها باعث تماس میشود این يك دلیل در سابق مازاد از يك مناطق معینی گرفته میشد پس اگر منظور این بود که تماس کم شود می بینم فلا در تمام مملکت بایستی مازاد بگیرند و بنا بر این تماس بیشتر میشود در صورتیکه قبلاً در مناطق معینی مازاد میکردند و حالا در سر تا سر مملکت انبار دار و مأمور و تحصیلدار ولی باید باشد و کار بر این مبنا مشروط میشود فرض فرمائید يك مالکی در گلیایگان ، در صورتیکه گلیایگان چنین مازاد مازاد بدهد و این در حوزة گلیایگان نتیجه چه میشود نتیجه این میشود که تماس مأمورین با مردم زیاد تر می شود مالیات املاک مزروعی بطور تحقیق ۴ هزار تن میشود این ۴ هزار تن را در تصویب نامه ای که صادر شده است اجازه داده اند که در بعضی از جاها مشمول تخفیف بشود در این قانون معلوم نیست که آیا باید جنس بدهند یا اینکه باز هم مشمول تخفیف بشود سابق در يك جایی محصول خوب نمیشد تخفیف میدادند در يك جایی که آفت بود تخفیف میدادند و در وزارت دارائی يك اداره ای بود با اسم اداره تخفیفات پس بنا بر این اگر بیاورند ۴ هزار تن بگیریم و ۵ برابرش برای تأمین غله مملکت لازم باشد نتیجه چه خواهد شد ؟ نتیجه این خواهد شد که آنهایکه تخفیف میدهند یا تخفیف ندهند و اگر بدهند میزان غله کم میشود پس بنا بر این عاقبت این لایحه این خواهد شد که بخرد مالکین فشار زیاد وارد شود در نتیجه گندم هم خارج گندم بخرند برای مردم گرسنگی بیاورند پس اینهم اشکالاتی است که هست اما اشکالاتیکه در خود ماده است یعنی باصلاح در تدوین این ماده است میخواستیم آقایان توجه داشته باشند اولاً اینجا اسم خرده مالک برده شده خرده مالک باید معین شود کیست در جاهای دیگر خرده مالک را تعریف میکنند که مقصود از خرده مالک کیست ، ممکن است يك کسی چندین میلیون ثروت داشته باشد و دارای چندین اولاد باشد و فوت کند ثروتش بین اولادانش تقسیم میشود و بهر کدامشان يك میلیون میرسد ولی ممکن است بهر کدامشان از هر دوی يك تکه برسد این میشود خرده مالک ؟ و چون کسیکه دو جریب یا يك هکتار زمین دارد خرده مالک است او هم خرده مالک میشود ، پس بنا بر این خرده مالک باید معین شود که چه اشخاصی هستند این يك قسمت ، يك قسمت دیگر که بعقیده من غیر قانونی است حق بود که خرده مالکین خودشان زراعت بکنند آنهایکه دیگران ملکشان را زراعت میکنند خرده مالک نیستند آنهایکه خودشان میآیند در شهر منزل میکنند و دیگران ملک آنها را زراعت می نمایند اینها را بعقیده من باید مازادشان را گرفت برای اینکه میآیند تهران از آنجا يكمن ۹ ریال استفاده میکنند ولی آن خرده مالکی که خرده زراعت میکند از این چیزها استفاده نمیکند و او را باید تشویقش کرد او را سرافش نباید رفت ، ولی يك قسمت دیگر هم هست که باید تماس را کم کنیم ، میگویند در بعضی از نقاط حاصلخیز اداره غله باید تعیین کند که چون حاصلخیز است فلان مقدار باید بدهد ولی ممکن است که يك منطقه ای حاصلخیز باشد ولی امسال حاصل نداشته باشد يك

جائی ممکن است حاصلخیز باشد ولی امسال آفت داشته باشد این را قبلاً نمیشود تعیین کرد و اعلان کرد پس بنا بر این بعقیده من این صیب هم در خود قانون است يك اشکال دیگری که هست اشکال ضمانت اجرائی آنست که آقای وزیر دارائی فرمودند چون آن لایحه ضمانت اجرائی نداشت پس میگویم ولی اینهم ضمانت اجراء ندارد ضمانت اجرائیکه تکلیف تخلف کنندگان را معلوم کند و فقط آخر ماده يك چیزی نوشته که اگر بنده قاضی باشم از این ماده چیزی نمی فهمم یا اینکه درس حقوق هم میدهم اینجا نوشته است آئین نامه آن بر اساس آئین نامه اسناد رسمی از تصویب کمیسیون قوانین دارائی و کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی خواهد گذشت ، این یعنی چه ؟ من نمی فهمم قانونی که اساسش بر آئین نامه باشد منظور چیست ؟ من خیال میکنم که میخواست بگوید که تعهداتی که از مالکین گرفته میشود بمنزله اسناد رسمی است من خیال میکنم از نقطه نظر سند میخواست بگوید آخر اسناد دو قسم است یکی اسناد عادی است یکی اسناد رسمی است میخواست بگوید که با وجودیکه از مالکین اسناد عادی میگیریم این بمنزله اسناد رسمی است اگر منظور این باشد که عیب بزرگی خواهد داشت و عیب بزرگی که دارد این است که این عبارت نا کافی است اینجا میگوید آئین نامه اسناد رسمی که از کمیسیون مجلس بگذرد عیبش اینست که مقررات جمع آوری غله در اختیار کمیسیون قوانین دادگستری گذاشته میشود ، از بقیه این دوره مجلس ۵۸ روز بیشتر نمانده است و اگر در این ۵۸ روزه آقایان جمع بشوند و کارهای خودشان را بکنند ممکن است والا وضع جمع آوری غله مشکل خواهد شد و بلاوه بنده اصلاً میگویم اینکه کار غله و نان تمام بکمیسیون قوانین دارائی واگذار میشود برای چیست ؟ برای اینکه يك امر حیاتی است و ضرورت دارد يكی از دو کار را باید کرد یا اینکه باید دولت در انحصار کامل داشته و آذوقه بازار سیاه هم پید خواهد کرد در ترتیب با فکریکه ما خواهیم تماس را کم کنیم منافات دارد يك طریق دیگر اینست که ما آزادی مطلق بدهیم بگوئیم که هر کس هر طور که میخواهد خرید و فروش کند و البته این نظری است که آقای مسعودی در روزنامه شان ابراز فرمودند و این صحیح بود ولی در صورتیکه مملکت يكطوری بود که ما بتوانیم سرحدات ما را نگاه بداریم متأسفانه سرحدات ما خوب نگاهداری نمیشود و وسایل فراز گندم هست پس بعقیده بنده يك طریق صحیح اینست که دولت يك قسمت را آزاد بگذارد و يك قسمت را خودش اخذ کند ولی در این اخذیکه میخواهد بکند يك قدرت لازم دارد اما در این قدرتیکه میخواهد داشته باشد این تبصره این قدرت را تأمین نمیکند اما عقیده شخصی بنده اینست که دولت بهتر ترتیبیکه هست یا بفشار یا با اختیار یا با از خارج وارد کردن یا بهتر ترتیب که هست باید يكسال آذوقه مملکت را تأمین کند پس از اینکه تأمین کرد خودش بشود ناظم قیمت یعنی مثلاً بگوید که هر کس گندم بیاورد من باین قیمت میخرم بمنسردم بیاورند این گمان میکنم تنها راهی که هست يكسال گندم را در انبار داشته باشد بعد خودش ناظم خرید

گندم باشد یعنی بگوید که من باین قیمت میخرم بود انبارهای هم بایستی باز باشد که سایرین نتوانند بخرند یعنی بازار سیاه نباشد و باین ترتیب تنها طریق است که میشود تماس با مردم را قطع کرد و چون من نماینده خرده مالک هستم با این میزان معافیت خرده مالک مغالطه و کم است بایستی دو قسمت کرد یکی اینقسمت خرده مالکین را باید بالا برد که از چند تن بیشتر معاف باشند و یکی اینکه مابین مالکیکه در شهر زندگی میکند و کارش هم با مالکینی که در دهات زراعت میکنند تفاوت داشته باشد .

رئیس - آقای وزیر دارائی .

وزیر دارائی - فرمایشات آقای دکتر مظنی يك قسمتش را ممکن است اینطور عرض کنم که يك توضیحاتی بنده داده بودم که یا تشریف نداشتند یا توجه نفرمودند و ناچارم بنده مجدداً عرض کنم ولی قبل از اینکه وارد خود ماده شوم ناچارم يك توضیحاتی بدهم و آن اینست وقتیکه دولت يك لایحه ای میآورد بمجلس و اجازه میگیرد که خودش هر طور مصلحت بداند گندم را جمع آوری کند ، آقایان اعتراض میفرمایند که نمیشود عنان و اختیار مملکت را ، نان مملکت را بدست دو تا مأمور بدهند و بروند توی دهات پدر مردم را در بیاورند اینکده وضع نمیشود وقتی نظر دولت تأمین نمیشود نظر مردم را تأمین بکنند ، آقایان اعتراض میفرمایند باین طرز که نمیشود گندم جمع آوری کرد بهتر این است که بخود دولت اختیار تام داده شود که خودش برود ، بنده واقعاً نظر وزارت مالیه را صریحاً عرض میکنم نظری بود که روزاول در لایحه دو دوازدهم آوردیم بمجلس نظر وزارت دارائی این بود که جمع آوری غله امسال هم مثل پارسال باشد (صحیح است) آقایان یکمدهای اعتراض فرمودند که چطور میشود که یکمده مأمور را بفرستید بندها از یکمده پول بگیرند یکمدهای را ببخشند ، یکمدهای را ببخشند چرا مالکین اطراف تهران گندم ندهند يك پیشنهادی آقایان اینجا کردند بنده هم فکر کردم چون مقصود دولت و مجلس این است که يك کمکی بهم بکنند برای جمع آوری غله و تأمین نان شهرها که مردم از حیث نان در مضیقه نباشند فوری قبول کردم بعد رفتم نشستیم حساب کردیم دیدیم که برای آن منظوریکه ما داریم کافی نیست بنده باز آمدم بکمیسیون دارائی عرض کردم از سال ۱۳۱۳ که تثبیت غله در ایران دایر شده است بطور متوسط گندم نانوائیهای شهرستانها که دولت میدهد در حدود دوست و چند هزار تن است ما باید دوست هزار تن خلاصه گندم داشته باشیم ولی ما يك روزی هم در انبارها نداشتیم البته همیشه طرز جمع آوری ما بهتر و شاید شتابزده گی هم نداشتیم شاید این فکر هم از روز اولی که اداره غله تاسیس شد این فکر بود اینجا يك چند دقیقه ای وقت آقایان را میگیرم يك بار بیخه ای از تثبیت غله و تأسیس آن در ایران عرض میکنم تأسیس آن موقعی بود که وضع طوری شده بود که صرف میکرد برای مالکین و زارعین که گندم بکارند مثلاً در سیستان و زابل گندم را گاهی آتش میزدند برای اینکه از گاه ارز تر بود در کرمانشاه خرواری دو تومان و ۲۵ ریال بود دولت آنموقع این فکر را کرد که برای کمک بزارعین و تشویق

زارهین قیمت گندم را بالا ببریم قیمت گندم را که بالا بردیم ده تومان و دوازده تومان شد ، در سال اول تثبیت غله کار بجائی رسید که تمام کاروانسراها و حتی صحن مساجد پر شد از گندم و دیگر مستاصل شده بودیم از جمع آوری گندم ولی این جریان که پیش آمد يك عوامل دیگری هم در کار بود و آن این بود که در مملکت ما که يك مملکت فلاحی است یکمرتبه شروع شد بیک اقدامات صنعتی این اقدامات صنعتی طبعاً رعایا را از دهات بشهر کشاند و کارگر کارخانه میشدند این عوامل موجب این شد که از زراعت مملکت روز بروز کاسته شد اینچنان منکر نشوم که ممکن است مأمورین دولت هم مزاحم اشخاص شده اند برای اینکه در يك مملکت پهناوری پیدا کردن ده دوازده هزار نفر مأمور که تمام با تقوی باشند این کار آسانی نبود ازافت و غیر افت و زود تحویل گرفتن و دیر تحویل گرفتن اینها هم البته موجب يك دلتنگیهای شد در ۱۳۱۶ دولت در نظر داشت که همین نظری را که آقا دارند رعایت کند چون برای این کار احتیاج بیک انبارهای صحیح و سالم مطابق اصول متداوله دنیا بود از سال ۱۳۱۴ که تثبیت غله درست شد شروع کردیم بتاسیس سیلوا که آنها را هم آقایان ملاحظه فرموده اند ظرفیت این سیلوا اگر تمام اینها کار میکرد در حدود ۱۵۰ هزار تن بود يك قسمت البته ساختمانش ناتمام مانده و ماشین آلات ندارد و يك قسمتش تمام شده است بدیخته همه ساله وضع طوری بوده است که بنسب این سالهای بدی در پیش بوده است يك مقدار خشکسالی بوده همیشه ما نتوانستیم بیشتر از احتیاج سالانه گندم جمع آوری کنیم و اگر يك سالهای خوبی هم بوده است روی عدم مراقبتی که شاید در سرحدات شده است يك قسمت از گندم مملکت خارج شده است و با اصطلاح معمول کار ما در قضیه غله کار دست بدهان است یعنی هر چه جمع کنیم خرج میکنیم است این نظری هم که فرمودید این نظر خود من است برای اینکه این منظور عملی شود باید عرض کنم که مشغول هستیم که در مقابل تریاکی که داریم و میدهم بآمریکا گندم بیاوریم یعنی هشتصد هزار تن گندم میگیریم در مقابل چهار هزار و خورده ای صندوق تریاک یعنی ۹۰۰ تن تریاک میدهم و ۸۰۰ هزار تن گندم میگیریم و اگر این معامله ما انجام شود و امیدوارم که انجام شود ما بتوانیم يك «رزروی» برای مملکت داشته باشیم ولی قبلاً آن عمل نشده است ما ناچاریم حالا که آخر سال هم هست و موجودی انبارهای ما روز بروز دارد کمتر میشود برویم يك وسیله ای برای جمع آوری غله داشته باشیم شخصاً از نقطه نظر خودم عرض کنم هیچ نظری خاصی نه باین ماده دارم و نه اینکه بآن ماده که سابقاً پیشنهاد کردیم زیاد بهش تمصیب دارم فقط نظرم اینست که يك راه عادلانه ای پیدا شود که ما بتوانیم غله را جمع آوری کنیم (احسن است) در کمیسیون دارائی بعد از آنکه آن لایحه ما باین صورت در آمد آقایان آنجا استدلال کردند که دادن اختیار تام ب مأمورین ممکن است ایجاد زحمت بیشتری بکند (صحیح است) و این برخلاف نظر مجلس و دولت است که تاس مأمورین را با مردم باید کم کرد (صحیح است) باین جهت آمدند این طرز را در نظر گرفتند که خوب است همان میزهایی که بالاخره

يك پایه ای بوده است برای این کار آن را پایه وصول مازاد قرار بدهیم منتها در نقاطکه میزنی نشده تصریح بکنیم مطابق آخرین تعهداتی که در سال گذشته گرفته شده است یا اگر اختلافی پیدا شد تجدید میزنی شود بدهم در آن نقاط حاصلخیز آرزو بنده توضیح دادم که یکی از آقایان پیشنهاد کرده است که من دیدم آن پیشنهاد را قبول هم کردم که تبعیض نشود که یا وزیر دارائی یا رئیس اداره غله بگوید که اینجا حاصلخیز است یا خیر پرسیدند چرا از حالا تعیین نمیکنی گفتیم که این کار عملی نیست برای اینکه نقاط حاصلخیز مملکت ما دیده شده است در سالهای مختلف متفاوت است چه بسا يك نقطه ای مثل حوزه خراسان که از نقاط حاصلخیز مملکت است یکسالی که خشکسالی است قحطی میشود چه بسا در تاریخ اخیر دیده شده این را نمیشود پیش بینی کرد که وضع محصول خوبست یا خیر چون در مملکت ما آقایان ملاحظه کرده اند وضع محصول بسته است بآن آلات و ادوات ۳۰۰۰ سال قبل و مهر و قهر طبیعت اگر طبیعت يك وقتی مساعد باشد مخصوصاً دیم کاری که دو ثلث مملکت ما در دیم کاری است ممکن است محصول خوب شود و اگر خشکسالی باشد ازین میروند پس اگر ما بتوانیم بگوئیم که نقاط حاصلخیز کدام نقطه است این يك فکر غلطی است ما پیشنهاد کردیم که نقاط حاصلخیز را کمیسیونهایی که از معتمدین محلی و رئیس کشاورزی و رئیس کمیسیون کشاورزی و فرماندار و استاندار و بازرسی دارائی یعنی خلاصه ۷ نفری که ۳ نفرشان نماینده مالک یا زارعین هستند تشکیل میشود تعیین کنند ، فرض بفرمائید امسال کرمانشاه که جزو نقاط حاصلخیز است چقدر غله دارد بدهم تا میزان ۵ برابر یعنی ممکن است بگوید اینجا امسال بهتر است وضعیت ۴ برابر ۴ برابر و نیم یعنی حد اغلاش آنقدری که باید ب مأمورین بدهند تعیین میکنند ولی الزامی نیست بعد اینجا اشاره فرمودید که این قانون ضمانت اجرائی ندارد اگر توجه فرموده باشید اینجا نوشته شده است در صورت تأخیر یا عدم تحویل مشمول جریم خواهد شد که آئین نامه آن براساس آئین نامه استاندارسی تهیه شده باشد اگر توجه فرموده باشید در کمیسیون قوانین دادگستری يك اساسنامه ای برای استاندارسی گذشته است تمام قوانینی که ما میخواهیم اجازه حفظ دارائی و فروش دارائی و برداشت دارائی دولت را داشته باشیم مثل قانون مالیاتهای معمولی است مثل قانون مالیات بر در آمد گذشته است و اساس آئین نامه استاندارسی است یعنی تشریفات آنها معین است بهش اخطار میکنند میگویند که در ظرف ده روز باید تمهیدش را انجام بدهد و اگر در ظرف ده روز بهش ترتیب اثر نداد و حاضر نشد که بولش را بدهد مقرراتی دارد که اجراء میشود این يك چیزی نیست که ضمانت اجرائی نداشته باشد باین عملی که هست ممکن است که يك مخارج اضافی تولید شود برای مخارج اعلان و غیره ما چه میکنیم یکمده مأمور داریم که میروند در دهات برای گرفتن تمهید اگر آن نظر اول را داشته باشیم همان تبصره اول دولت نظر ما را تأمین میکند همانرا هم ما بیشتر مجبور بودیم که مأمور بفرستیم برای اینکه اگر خدای نکرده نظر شخصی خودش را هم در برخورد با مالک اعمال میکرد ممکن است که هیچ محصول نداشته باشد

بگوید به برابر يك جایی که حاصلخیز است و محصول دارد بگوید هیچ ندارد حالا يك ملاکی و روشی هست و این املاک سابقاً میزنی شده است و ملاک ورقه میزنی است ورقه میزنی معین است سال ۱۳۱۶ یا ۱۸ یا ۲۰ که این ملک ده خروار گندم داشته است این ده خروار را امروز معین میکنند که چقدر باید بگیرد این يك پایه و ملاکی دارد و بیشتر از این هم نمیتواند حرف بزند و جای شکایت هم دارد یعنی اگر کسی از دهات کلیایکان شکایت کرد که مأمور نسبت بملک من تبعیض کرده است این شخص را وزارت دارائی چه میتواند بکند جز فرستادن يك مأمور متخصص بایک هزینه هنگفت ولی اگر این آدم فردا آمد شکایتی کرد در ورقه میزنی رادر آورد و از ورقه میزنی او هر مأموری که در تهران نشسته باشد میتواند تعیین کند که این ورقه میزنی ملک حسن آباد است و ۵۰ خروار میزنی شده است چقدر مازادش میشود و اگر بیشتر گرفته تخفیفش ممکن است و اما اینکه فرمودید که مطابق این قانون از همه جا باید مازاد بگیریم ولی سابق از همه جا نمیگرفتیم آلان هم از همه جا میگیریم منتهی از نقاطی که گندم ندارد نمیتوانیم بگیریم مطابق این قانون ما میخواهیم بگوئیم اگر محصولی نداشته باشد ما چیزی نمیگیریم مگر مالیات چطور است اگر فرض کنیم که این قانون ، قانون مالیاتی بود اگر يك دهی آفتی داشته باشد یا يك دهی باشد که آفت دیده باشد و اصلاً محصول نداشته باشد مالیات که دیگر نمیدهد یعنی وقتی پایه مالیاتی ندارد پایه مازاد هم ازین میروند چه فرق دارد این هم مثل مالیات است بعد هم يك قسمت فرمودند راجع به ۴۵ هزار تن این توضیح را در روز بنده دادم نمایانم آیا تشریف داشتند یا خیر عرض کردم پایه ۴۵ هزار تن که ما داریم با مقرراتی بود که با تصویب آن تبصره که گذشت حساب کرده شد تا ۲۴۰ تومان معاف هستند ۲۴۰ تومان نمونه يك تن گندم بود یعنی قیمت يك تن گندم بود یا يك تن گندم نمونه دارائی ده تن گندم است که مالیاتش میشود يك تن پس اگر ما بخواهیم روی آن اصل آن تبصره را مراعات میگردیم بدهم میشد بجای این دو برابر یا سه برابر این را حساب میگردیم که ۲۲۰ هزار تن میشد ، ما ناچار شدیم که این تبصره ای که از مجلس گذشت روی مقدارش تجدید نظر بکنیم حالا میآیم راجع باینکه این جنس باید بدهد یا تبصره باید بکنیم این طبیعی است که باید جنس بگیریم و تعیین کنیم در قانون هم این را تصریح کرده است که جنس بگیریم و دیگر تعیین نمیکیم مالیات نقدی و جنسی نقدی را علیحده و جنسی را علیحده ، یعنی اینجا که مازاد میگیریم بدهی است که جنسی است برای اینکه ما خودمان پول داریم میخواهیم که گندم داشته باشیم و بدهی است که گندم نمیگیریم پول میخواهیم بدهیم گندم بخریم ، يك موضوع دیگر راجع بجمع آوری غله حالا نظر دولت را که عرض کرده ام باز هم تکرار میکنم اصولاً نظر مجلس بر اینست که دولت مداخله در امر جمع آوری غله امسال شهرت آنها نکند بنده باید صریحاً عرض کرده باشم که متشکرم يك چنین مسئولیتی را قبول نکنم که از فردا بگویند دولت مداخله در امر جمع آوری غله در امر ناوانتها نکند من خیال میکنم که هر دولتی نهایت رضایت را از این عمل دارد منتها بنده اینجا پیش بینی میکنم

که اگر فردا قیمت نان از ۹ قران رسید به ۴ تومان و ۵ تومان دیگر مشولش دولت نیست و از نقطه نظر مصلحت مملکت هم که شده مصلحت نمایانم برای اینکه امروز وضع دنیا وضعی نیست که بشود موضوع نان را آزاد بگذاریم پس ما باید بیاییم روی این که مجبوریم نان شهرستانها را بدهیم اگر این نظر را قبول کردیم آنوقت باید ببینیم چه جور جمع آوری بکنیم عرض کردم اگر مجلس اطمنان ب مأمورین دولت دارد (غضنفری - ندارد) همان تبصره ای که دولت پیشنهاد کرده همانرا تصویب بکند و اگر ندارند باید يك ملاکی برای این کار داشته باشند که غله جمع آوری شود و مأمورین از آن تخطی نکنند اینکه بیشتر پیش بینی شده است حد اقل مقداری است که برای احتیاج نان مملکت است

رئیس - پیشنهاد کفایت مذاکرات داده شده است .

ملک مدنی - مخالفم اجازه بفرمائید عرض کنم .

رئیس - باید رأی گرفت چون مطابق ماده ۹۱ آئین نامه برای مرتبه دوم که پیشنهاد میشود بکریحت ندارد (صحیح است) آقایان بایشهاد کفایت مذاکرات موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهادات قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد آقای مکرّم ، پیشنهاد میکنم اختیارات وزارت دارائی در قسمت جمع آوری مازاد غله سال ۱۳۲۸ که ضمن ماده واحده اینطور ذکر شده « و نیز وزارت دارائی میتواند استثنائاً در سال ۱۳۲۸ در نقاط حاصلخیز کشور که محصول خوب باشد میزان مازاد را تا پنج برابر گندم و سه برابر جو مالیاتی ترفی داده و قیمت آن بر نرخ رسمی برداشت نماید » بشرح زیر اصلاح شود « و نیز وزارت دارائی میتواند در سال ۲۸ و سالهای بعد در نقاط حاصلخیز کشور که محصول خوب باشد مطابق نظر و تشخیص کمیسیون مرکب از استاندار یا فرماندار و پیشکار یا رئیس دارائی و رئیس کشاورزی و رئیس دادگستری و رئیس شورای کشاورزی و دو نفر از معتمدین محل که از طرف این کمیسیون تعیین و دعوت خواهند شد میزان مازاد نقاطی را که محصول آنجا خوب عمل آمده باشد تا میزان ۵ برابر گندم و سه برابر جو مالیاتی از مالکین مطالبه و قیمت آنرا مطابق نرخ رسمی بپردازد »

رئیس آقای مکرّم

مکرّم - با توضیحات مفصلی که در جلسه گذشته و این جلسه جناب آقای وزیر دارائی دادند و بحث های مفصلی هم که شد و بیاناتی هم که سایر آقایان فرمودند بنده زاید میدانم که تجدید مطلع کنم و اینجا توضیحات گذشته را تکرار کنم اما نکاتی را که مجبورم و لازم میدانم تذکر بدهم حضور آقایان محترم یکی این است که اینجا از طرف بعضی از آقایان بطور کلی نسبت ب مأمورین دارائی و جمع آوری غله اهانت های ناروائی شده است یعنی همه را نادرست میدانند هیچ انتظار نیست (معتمد دماوندی - تمام آنها صحیح بوده است) بنظر بنده کمال بی انصافی است بنده نمیخواهم عرض کنم که در دستگاه دولت مأمورین نا درست و غیر صحیح العمل نیستند البته در تمام دستگاههای دولتی ممکن است که مأمورین نادرستی وجود داشته باشد

ولی آقایان نمایندگان محترم بایستی انصاف بدهند که آنها بیکه بایستی امور مملکت را اداره بکنند احیاناً نادرست باشند انگشت شمارند ولی مأمورین صحیح العمل که در اطراف و اکناف کشور بخدمتگزاری مشغولند تعدادشان خیلی زیاد است بهر صورت آقایان نمایندگان محترم باید در نظر داشته باشند که این قبیل مأمورین را تشویق کنند بخدمتگزاری نه اینکه آنها را دل سرد کنند و خدای نخواستہ سبب بشود از جاده تقوی و درستی منحرف بشوند بهر حال مسئله مهمی که پیدا است که مورد توجه کامل مجلس شورای ملی است تأمین نان کشور است از طریق جمع آوری مازاد غله و بدیهی است که تأثیر فراوانی هم این مطلب در ترقی و تنزل سطح زندگی و نرخهای سایر اجناس خواهد داشت بنده زاید میدانم که توضیحات زیادی عرض کنم پیشنهادی که بنده دادم از این نظر بود که جمع آوری غله بطور عادلانه تأمین شده باشد و انبار های دولت پر بشود که شاید بعد از پر شدن انبار ها سال آینده و سالهای بعد احتیاجی باجرای این قانون و جمع آوری مازاد نباشد برای این منظور بنده پیشنهاد کردم که مأمورین دولت یعنی مأمورین وصول مستقیماً اختیارات فراوانی نداشته باشند از طرفی هم این ماده بصورتی که نوشته شده آقایان ملاحظه فرمودند کافی نیست یعنی تکلیف را روشن نمیکند که معلوم شود که مثلا نقاط حاصلخیز کشور که محصولش خوب عمل آمده و باید به برابر بدهند این نقاط حاصلخیز چطور باید عمل کرده باشد یعنی تخمی چند تخم اگر عمل آمده باشد خوبست باین جهت بنده پیشنهاد کردم که کمیسیون مرکب از استاندار یا فرماندار و پیشکار دارائی یا رئیس دارائی رئیس شورای کشاورزی که از خود مردم است دو نفر معتمدین محل که از خود مردم هستند شرکت بکنند با مطالباتی که قبلاً کرده اند اطلاعاتی که جمع آوری کردند يك تصمیمی بگیرند نقاط حاصلخیز را تعیین کنند که کجاست مقدار را تا ۵ برابر تعیین بکنند یعنی سه برابر و نیم تا چهار برابر بیشتر تا به برابر وقتی این را تعیین کردند صورت مجلس کردند بعد اعلان میکنند مردم هم مازاد محصول خودشان را میبرند تحویل میدهند من تصور میکنم که این پیشنهاد همانطوریکه جناب آقای وزیر دارائی هم اشاره کردند ضمن فرمایشات خودشان تصور میکنم که قبول بفرمایند و محصول هم جمع آوری می شود آقایان هم تصویب میفرمایند در دفع اشکالات و محظورات هم خواهد شد .

رئیس - آقای امیر تیمور .

امیر تیمور (مخبر) - بدو باید باستحضار آقایان برسانم مطابق اطلاعاتیکه رسیده با بارندگی های نافع و مفیدیکه در تمام مملکت امسال بحد الله شده است جای نگرانی از بابت محصول فعلی نیست امید است که محصول خوب باشد و نان در همه نقاط مملکت انشاء الله بطور فراوانی و خوبی وجود داشته باشد و از این بابت بهیچ وجه من الوجوه نگرانی نیست و این موضوعی را که در خبر کمیسیون دارائی ملاحظه میفرمائید کمیسیون قوانین دارائی با نهایت صمیمیت و حسن نیت منتهای سعی و جهد را به عمل آورد که دو منظور اصلی و اساسی در اینجا تأمین بشود منظور اول این بود که نان کشور را تأمین

بکنند و منظور دوم اینکه تاس مأمورین با مردم وجود نداشته باشد یا اگر هست کم باشد و تصور میکنم که اگر دستور مسلم و معین و روشنی در کار معین باشد که از آن دستور مأمور نتوانند تخلف کند و معین باشد که از هر دمی از هر محلی تا چه مقدار میزان مازاد ممکن است مطالبه و دریافت کند (صحیح است) و این منظور در اینجا کاملاً تأمین شده است بنده از فرصت استفاده میکنم بعرض آقای دکتر - معظمی میرسانم که سال گذشته با نا اونی که تصویب شده بود بزرگترین گناه شده بود زیرا با قانون گذشته که قانون دوره جنگ بود شما اختیارات نا محدود ب مأمورین داده بودید که با حبشیت مردم با آبروی مردم باجان مردم بازی کنند من خودم دیدم مردم را که ابدانه جنسی دارند نه مازاد دارند در توفیق نگهداشته آبروی آن هارا بردند برای اینکه منافع خصوصی خودشان را تأمین کنند پارسان بقدری ببطبقه ضعیف و رعیت و همان خورده مالکین که مورد توجه جنابعالی است ستم وارد شده که برآستی در هیچ عصر و دوره ای سابقه نداشته است و این فرمول کنونی این موضوع را رفع میکند و نگرانی دیگر وجود ندارد دستور معین و روشنی است که از آن دستور نمیتواند تجاوز کند اما راجع به پیشنهادی که آقای مکرّم تقدیم داشتند يك قسمت از توضیحات آقا فرموده پیشنهاد نبود خود پیشنهاد هم اصل فکر تان صحیح است ولی آن پیشنهاد همانطور کافی نیست و کفایت منظور را نمیکند باین مقصود که ما استثنائاً سال ۱۳۲۸ در نقاط حاصلخیز اجازه دادیم که میزان مازاد را تا ۵ برابر ترفی بدهند و بنده با این پیشنهاد موافقت میکنم که کمیونی در هر محل یعنی در هر استانی از استاندار و رئیس دارائی و دو نفر از معتمدین محل تعیین شود و نقاط حاصلخیز را آنجا تعیین بکنند و اعلام بکنند این پیشنهاد را باین طرز اصلاح کنید بنده موافقت میکنم .

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - این موضوع غله یکی از موضوعات حساس و مؤثری است که اگر در اطرافش بیشتر بحث بشود بنظر بنده شایسته هست زیرا تاس کلی ب مردم دارد و از طرف دیگر هم نان مردم این مملکت باید تأمین شود اصل ایجاد اداره غله اگر خاطر تان باشد در موقعی شد که مقصود دولت آرزو این بود که حمایت از ملاک کشاورز بشود (صحیح است) زیرا آرزو گندم را نمیخریدند گندم در دست کشاورز و زارع و ملاک در انبارهایشان می پوسید و خریدار نداشت چرا ؟ دلیلش هم معلوم بود دولت آرزو اقتدار داشت که سرحدات کشور را محفوظ کرده بود از سرحدات ما غله خارج نمیشد بنده این عرض را میکنم و حاضرم ثابت کنم که اگر سرحدات کشور را دولت بتواند سرحدات جنوبی و غربی را غربی که عراق و بین النهرین میروند البته يك قسمت کمی هم سرحدات خراسان را ببندد که خارج نشود هر سال بدی هم کدر ایران بارندگی نشود ایران بیش از مصرش گندم دارد این عرض را که بنده میکنم بنده بک مردم هستم که هم فلاحت میکنم هم ملاک هستم وارد هستم بیخودی نیست دلیلش این بود که در تمام دوران رضا شاه فقید چون دولت مقتدر بود سرحدات بسته بود قاچاقچی هیچوقت قاچاق نمیکرد وقتی هم سالهای

سختی درخراسان میشد از آذربایجان زنجان جنس میسراندند همان گلیایگان جناب آقای دکتر مظمی هم که حاصلخیز نیست و همیشه احتیاج بخارج دارد از جا های دیگر میفرستادند بعقیده بنده اول کاری بکنید جناب آقای وزیر دارائی که حسن نیتان مورد اعتماد و قبول همه ماهاست این است که بنظر بنده این اشکال را رفع کنید که سرحدات خودتان را ببندید و فرصت ندهید که گندم از کشور خارج بشود بنده با این فکر موافق نیستم که ما تریاک را بدهیم و عوضش گندم بگیریم برای اینکه اگر تریاک را میدهیم باید ارز عوضش بگیریم و با آن ارز سایر واردات مملکت را تأمین بکنیم این عمل برخلاف اصول اقتصادی ماست اینکار را ما تا قبل از شهریور میکردیم که اوضاعمان باین صورت شده بود حالا که خوشبختانه وضعیت اینطور شده است و امنیت در مملکت ایجاد شده است اینکه بنده اجازه خواستم و مخالفت بالا بیاخه آقا کردم برای دوسه موضوع بود که یکی همین بستن سرحدات و اجازه ندادن که غله از سرحدات کشور خارج بشود خود بخود گندم مملکت تأمین خواهد شد امسال هم از سالهایی است که وضع بارندگی و محصول خیلی خوب بوده اگر دولت سرحدات را ببندد و از خارج شدن گندم از سرحدات جلوگیری بکند در مملکت آتقدر گندم هست که دولت محتاج نباشد که بخواهد قانون بگذراند دوم اینکه بنده میخواستم عرض کنم که هر فردی از افراد این کشور و مخصوصاً طبقه ملاک هدف و مقصودش این است که نان افراد این مملکت تأمین بشود (صحیح است) این يك چیزی است که بنده گمان میکنم هیچکس تردیدی نداشته باشد منتهی در نحوه تأمین شدن نان مردم حرف داریم علت آنکه ماها نگران هستیم دلیلش این است که همه مأمورین غله مأمورین درستکاری نیستند بنده میگویم که بین مأمورین غله اشخاص درستکاری هم هست اشخاص صحیح العملی هم هست ولی تویشان يك متشبث ولایات جناب آقای سعیدی که جناب عالی در این موضوع هم مقاله نوشته بودید و حق هم همین بود برای اینکه باید بنویسید برای اینکه در روزنامه مؤثر این مملکت در مسائل جاری روز باید بحث بشود شما وقتی که اختیار دادید بمأمورین غله آن کسی که آقا صد تن گندم میخواهد بدهد صد تن گندم صدتا صد تومان تفاوتش است ببخشید تنی سیصد تومان تفاوتش است میشود سی هزار تومان اگر پنج هزار تومان بمأمورین غله بدهد صد تن را ده تن میکند و ملاکی که ندارد قاعده که دستش نداده اید ما آدمیم اینجا گفتیم که آن ملاک و قاعده را جزو جمع قرار بدهیم اتفاقاً خود وزیر دارائی که واقعا میخواهند از فساد جلوگیری بکنند گفتند که این راه عملی است و راه صحیحی است اما اینکه باید تشخیص داده شود که کجا حاصلخیز است کجا حاصلخیز نیست آمدند يك اختیار خواستند از کمیسیون دارائی که من رجائی که تشخیص دادم حاصلخیز است یعنی امسال حاصلش خوب است حاصلخیز قصد این نیست که بطور کلی گفته شود همین سال جاری را تشخیص دادیم که حاصلش خوبست پنج برابر ارزش بگیرند بعقیده بنده خیلی هم خوبست برای چه ؟ برای اینکه نان مردم شهرستانها تأمین بشود قرار شد يك کمیسیونی برای

تشخیص حاصلخیزی تشکیل شود این نظر آقای مکرم که پیشنهاد کرده اند همانطور که آقای امیر تیمور هم فرمودند درست است نه باین کیفیت پنج نفر مأمور دولت باشند دو نفر معتمد محل آن معتمدین محل در اقلیت هستند کمیسیون را باید طوری تشکیل داد که اکثریت و اقلیت باهم مناسب باشند بنده اعتقاد این است که رئیس دارائی فرماندار یا استاندار رئیس دادگستری یا کشاورزی دو نفر هم از معتمدین محل پنج نفر باشند که تأثیر در رأی داشته باشند این را که عرض کردم مقصود این بود که مثل سر حکم باشد که اگر ملاکین و معتمدین محل گفتند که اینجا حاصلخیز نیست فرماندار و رئیس دارائی میگفت که خیر حاصلخیز است رأی آن رئیس دادگستری بعنوان سر حکم باشد بنده عقیده شخصی ام را عرض میکنم و خیال میکنم آقایان هم هم جناب آقای وزیر دارائی و هم جناب آقای مخبر آقای امیر تیمور قبول بفرمایند (امیر تیمور - بنده قبول میکنم) بنده بطور قطع عرض کنم اگر قاعده ای قائل نشوید با اینکه روی حسن نیت مقرر میشد پولدارها ما از دادن تمهید فرار میکنند و خرده مالکین و مردم بیچاره و بد بخت میشوند اینجا پشت تریون عرض میکنم این مأمور دارائی که نشسته است قادر نخواهد بود با يك پشتش بآن و کیل مجلس است بنده اینجا صراحتاً عرض میکنم برای اینکه فردا میخواهد تمهیدش را تغییر دهد و التماس میکند یا اینکه پولدار است پول میدهد یا منتفد است از این دو حال خارج نیست پولدار پول میدهد کارش رادرسر میکند یا قوم خویش فلان و کیل است و از او حمایت میکند باید آقا قاعده قائل شد و این عدم تساوی را از بین برد مجلس شورای ملی وظیفه اش اینست که مقررات کلی وضع کند و نظارت کند که دولت این مقررات را بطور عاد لانه و بطور تساوی اجرا کند (صحیح است)

رئیس - این پیشنهاد با اصلاحی که شده قرائت میشود بعد رأی میگیریم .

(قسمت اصلاح شده پیشنهاد بشرح زیر قرائت شد)

و نیز وزارت دارائی میتواند در سال ۱۳۲۸ در نقاط حاصلخیز کشور که محصول خوب باشد مطابق نظر و تشخیص کمیسیونی مرکب از استاندار یا فرماندار پیشکاری رئیس دارائی رئیس دادگستری و دو نفر از معتمدین محل که از طرف این کمیسیون تعیین و دعوت خواهند شد میزان مازاد تقاطی را که محصول آنجا خوب عمل آمده باشد تا میزان ۵ برابر گندم و سه برابر جوی مالیاتی از مالکین مطالبه و قیمت را هم مطابق نرخ مقرر بپردازند .

رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانی که موافقت قیام کنند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد پیشنهاد دیگر قرائت میشود .

(پیشنهاد آقای گنجی بشرح زیر قرائت گردید)

پیشنهاد میکنم خرده مالکینی که بهره مالکانه آنان از سه تن غله تجاوز نمیکند از پرداخت مازاد معاف باشند

فولاد و آقای رحیمیان هم عین همین پیشنهاد را داده اند .

رئیس - آقای گنجی ای .

نمائندگان - تشریف ندارند .

رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود .

رحیمیان - پیشنهاد من چطور شد .

رئیس - بعد قرائت میشود .

(پیشنهاد آقای کهید بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که کلمه یک هزار کیلو تبدیل به سه تن شود .

نمائندگان - نیستند آقا .

رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود .

(پیشنهاد آقای نورالدین امامی بشرح زیر قرائت شد)

تمهیداتی که در سال ۲۷ گرفته شده و بواسطه عدم توانائی مالک و نبودن محصول تاکنون قسمتی از آن تحویل نشده دیگر مطالبه نخواهد شد

رئیس - آقای امامی .

نورالدین امامی - توجه بفرمایند ممکن است خیال بفرمایند که با تصویب این پیشنهاد بنده کمک بید حسابها و ظلم بخوش حسابها خواهد شد (جمعی از نمایندگان - همینطور است) ولی با يك توضیح مختصری تصور میکنم جناب آقای وزیر دارائی متقاعد بشوند و قبول کنند جناب آقای وزیر دارائی توجه بفرمایند در اکثر نقاط آذربایجان مالک صد تن فرض بفرمایند تمهید کرده و ۹۸ تن پرداخت کرده ۲ تن مانده است يك تن و نیم مانده است حالا میخواهم این موضوع را بگویم که وضع محصول امسال آذربایجان خوب است بابت غله امروز آذربایجان خیلی بد است عده مالکین مخصوصاً از ما که آمده اند اینجا و از دولت تقاضا کرده اند و جناب آقای وزیر دارائی هم با ایشان وعده کمک فرموده اند که برای آذوقه رعایا و بنبرها کمک بشود وقتی مالکی که گندم از خود دولت میگیرد برای پسر این نمیتواند ۱۰۰ تن باقیمانده را بدهد او میگوند که تو چرا تمهید را اجرا نکردی و روی این موضوع اموالشانرا توقیف میکنند و میبرند حراج میکنند نظر بنده این است نظر من این نیست که اگر کسی ۵۰ تن تمهید کرده و نداده باز هم بدهد باید پسرش را هم در آورد و حبسش هم کرد و از او تمهیدش را گرفت نظر بنده این است که بآن بدبختها کمک شود والا البته بد حسابها را باید گرفت و مجازات کرد و جریمه شانهم کرد و حق دولت را گرفت استعدا میکنم از آقای وزیر دارائی توجه بفرمایند و عبارت بنده را هر طور که میخواهند اصلاح بفرمایند بنده حاضرم اصلاح کنم که يك اراقی باینده است از مردم بشود و این در تمام ایران است آنها که از چند تن ممکن است نصف را نداده باشند خیر ولی آنها بیکه دو تن یا يك مقدار جزئی نداده اند معاف باشند .

رئیس - آقای وزیر دارائی .

وزیر دارائی - آقای امامی توجه بفرمایند صرف نظر از اینکه آقایان توجه فرمودند که این پیشنهاد آقای امامی کمک بید حسابها میکند و این عادت خواهد شد که هر کس خوش حساب شد بعد از این تمهیدی که کرد دیگر اجرا نکند زیرا از پرداخت آن معاف میشوند و دیگر نه مالیات خواهد داد نه مازاد (صحیح است) من خیال میکنم اصولاً اگر بخواهیم این را چه در قسمت مالیات و چه در قسمت مازاد فتح باب بکنیم شایسته نیست بنده آنرا که خیال

میکم که نظر آقای امامی است این است که يك اشخاصی ممکن است تمهید کرده باشند یا بواسطه بدی وضع محصول که ناچار باشند برعایاشان کمک کرده باشند و با لظاظ بنده بنده لازم را داده باشند ممکن است يك مقداری از تمهیداتشان را که انجام داده اند بقیه اش مانده باشد اگر این نظر باشد بنده گمان میکنم که اگر پیشنهاد شانرا اینطور اصلاح کنند ممکن است مورد موافقت قرار بگیرد که اگر اشخاص بیکه تمهیدات را داده اند و بعد قسمت اعظم آنرا انجام داده اند قسمت باقیمانده را ممکن است از محصول سال ۱۳۲۸ بگیرند ولی معاف نشوند و این مقدار از بین نرود این را خیال میکنم موافقت میکنند (صحیح است)

نورالدین امامی - پیشنهاد بنده را اینطور اصلاح بفرمایند .

آزاد - بنده مخالفم .

رئیس - نوبت شما نیست آقای حاذقی مخالفتی بفرمایند .

حاذقی - بنده خیلی متأسف هستم که باین پیشنهاد همکار محترم مخالف هستم علت مخالفت همان نکته است که جناب آقای وزیر دارائی فرمودند که باید در این مملکت سعی کرد که قانون محترم شمرده شود و مردم بقانون احترام بگذارند برای اینکه ما سالها است در این مملکت اجازه میدهیم بمختلفین از قوانین و دستورات مملکتی . آنها بیکه مشمول نظام وظیفه میشوند و میشوند و باید خدمت کنند ظفره میروند و بیک وسائلی از این سال با نسال میآندازند و از این ستون بآن ستون تا يك قوانینی وضع شود و بیک موجباتی پیدا شود که آنها استفاده کنند ۴ سال پیش از این در شیراز که نباشد مازاد بدهند اشخاص خوش حساب فوراً مقدم شدند و آنچه که برای آنها تعیین سهمیه شده بود همه تحویل انبار دادند و با نرخ کم پولشان را دریافت کردند آرزوی یکمدهای ندادند و اعتراض کردند که قیمت کم است بعد دولت حاضر شد و قیمت را بالا برد و آنها بیکه بد حسابی کرده بودند يك مبلغی اضافه گرفتند در حالی که دولت حاضر نشد نسبت بخوش حسابها حتی آن مابه التفاوت را بدهد (صحیح است) بنا بر این اقتضا دارد که مجلس شورای ملی در وضع قوانین همیشه سعی بکنند که باشخاص بد حساب و مختلف و آنها بیکه از زیر بار قانون شانه خانی میکنند هیچگونه کمک و مساعدتی نکنند تا مردم بدانند که بد حسابی و تخلف صرف نمیکند و باید بقانون اجرا شود (صحیح است)

رئیس - با این اصلاحی که شده و آقای وزیر دارائی قبول کردند رأی گرفته میشود حالا قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

تمهیداتی که در سال ۱۳۲۷ گرفته نشده و بواسطه عدم توانائی مالک و نبودن محصول تاکنون قسمت جزئی از آن تحویل نشده در سال ۱۳۲۸ باید بپردازند .

امیر تیمور - اجازه بفرمایند ؟

رئیس - بفرمایند .

امیر تیمور - بنده تصور میکنم که این محتاج بقانون نیست (صحیح است) زیرا وزارت دارائی باید بتواند تمهیدات سال ۱۳۲۷ را در سال ۲۸ بگیرد اینجا محتاج بقانون نیست .

نورالدین امامی - آقای وزیر دارائی اجرا بکنند دستور بداراره غله بدهند بنده پس میگیرم .

امیر تیمور - آقای وزیر دارائی موافقت دارند .

وزیر دارائی - بازاره غله دستور داده شد .

امامی - بنده پس گرفتیم .

رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود .

(پیشنهاد آقای فولادوند بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که جمله ذیل بآخر قسمت اول ماده واحده اضافه شود .

در هر حال میزان مازاد که از مالکین گرفته میشود نباید از میزان تمهیدی که در یکی از سنوات ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ بتخصیص وزارت دارائی گرفته شده اضافه وصول گردد .

رئیس - بفرمایند .

فولاد و وف - بنده چون يك شاگرد خوش حسابی هستم و از اول وقت هم بمجلس میآیم اینست که پیشنهاد هم نموده ام بود ولی پس از هشت پیشنهاد پیشنهاد خودم را خواندم بنده آقا دو جنبه در مدت خدمت داشتم هم مالک جزئی بودم و هم مأمور دولت من مأمورین دولت را دوجور دیدم يكوقت من مدعی العموم بودم باز اندامم سرو کار میدامیکردم این البته مطیع معض من بود يك وقتی هم مالک بودم و آنجا هم طرز سلو کش را با مالک دیده ام بنده آقای وزیر دارائی عرضم این است که این مأموری که در اطاق وزیر دارائی میآید آن مأموری نیست که میروند نیشابور وظیفه اش را انجام میدهد این را فقط باید جناب عالی در نظر بگیرید این پیشنهاد بنده اینست که ماده واحده میگوید وزارت دارائی میتواند علاوه بر مالیات مقرر تا میزان سه برابر گندم و يك برابر جو مالیاتی مازاد از مالکین مطالبه و قیمت آنرا مطابق نرخ رسمی پرداخت نماید و نیز وزارت دارائی میتواند استثناء در سال ۲۸ در نقاط حاصلخیز کشور که محصول خوب باشد میزان مازاد را تا ۵ برابر گندم و سه برابر جو مالیاتی ترقی داده قیمت آنرا بپردازد بنده اینجا این قسمت را گفتم که چون بعضی مالکین در موقع میزری ضعیف بودند خلاصه نتوانستند حق خودشانرا حفظ کنند مثلاً مالیاتی بر روی تمهیدی بیش از آنکه باید بدهند بیای آنها حساب کردند و برای آنها تعیین کردند اگر آمد این ۵ برابر واقفاً طالمانه بود بروی برای مالک و خیلی اضافه شد وزارت دارائی بتخصیص خودش میگوید سال ۲۵ یا ۲۶ یا ۲۷ که از آن مازاد گرفته اند هر سال بیشتر گرفته اند دیگر بیشتر از آن سال از این شخص تمهید نگیرند .

رئیس - این رأی ندارد وقتی قانون شد نمیتواند بگیرند .

امیر تیمور - اجازه بفرمایند اولاً در اینجا هم نوشته شده تا ۵ برابر میتواند حکم نیست که حتماً ۵ برابر گرفته شود این بسته بنظر وزارت دارائی است که در بعضی نقاط شاید ۱ برابر یا ۲ برابر یا بیشتر بگیرد این بسته بخوبی و بدی محصول است و زیادی و کمی آن معهدا باین پیشنهاد جناب عالی بنده که با آقای وزیر دارائی صحبت کردم ایشان موافق هستند بنده هم موافق هستم .

رئیس - آقای کشاورز صدر .

کشاورز صدر - همیشه وقتی که يك قانون مفیدی میآید برای اینکه بتواند دولت از آن بیشتر استفاده کند و جمع آوری غله را بهتر بکنند باید موافقت کرد اگر جناب آقای فولادوند همکار عزیز پیشنهاد میکردند که از این مقدار پرداختی کمتر نباشد صحیح بود زیرا آن مقدار قدر متین و مسلم قابل پرداخت بوده است و داده ولی بسیار اتفاق افتاده و در نظر آقایان است باینکه غالباً در تمهیداتی که گرفته شده خیلی اعمال نظر و اعمال نفوذ شده و کم تمهید داده اند این معنی و مسلم است و اما این نکته را که فرمودند که ممکن است در زمیزی تجاوز شده باشد آقای وزیر دارائی گوش بدهید آقای منصف که نمیکند از دوا و اما راجع بمیزری که فرمودند ممکن است در جایی تجاوز شده باشد یا شخصی هم تصدیق میکنید که بخرده مالکین تجاوزی شده است و من با خود آقای وزیر دارائی مذاکره کردم که ایشان فرمودند که پیشنهاد بکنید که ما در موافقتی که می بینم که متفدین اعمال نفوذ کرده اند و کم میزری شده تجدید نظر بکنیم و اگر بخرده مالکین هم تجاوزی شده آنجا هم تجدید نظر بکنیم بنده هم این پیشنهاد را داده ام و از آقای فولادوند خواش میکنم که پیشنهاد را معکوس بکنند زیرا بسیار اتفاق افتاده که تمهیداتی را که مالکین پرداخته اند خیلی بیشتر بوده و باین ترتیب از این قانون این نتیجه را نمیگیریم البته جناب آقای امیر تیمور نمیدانم چرا فرمودند قول میکنم این را شما این قانون را آوردید که بیشتر غله وصول کنید این هم راضی بوده است و اگر نباشد يك کسی موافق میزری باید هزار تن بدهد و صد تن تمهید داده حالا نهد این که خلاف مصلحت و منطق و قانون است اگر اینطور است همان قانون فعلی را قبول کنید و اختیارات را بدولت بدهید .

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فولادوند آقایان بیکه موافقت قیام کنند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد پیشنهاد دیگر قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم کلمه یک هزار کیلو تبدیل به سه تن شود .

رئیس - آقای کهید .

کهید - عرض کنم ملاحظه بفرمایند برای خرده مالکین بنده پیشنهاد کردم بجای يك تن دو هزار کیلو باشد سه تن باشد آقایان استحضار دارند که غالب مالکین ایران خرده مالکند خرده مالک بیچاره باید خوراک خودش و بندرش خوراک زنش و بچه اش و کسانش را تأمین کند و با يك تن قطعاً تأمین نمیشود این است که بنده خواستم استدعا بکنم که جناب آقای وزیر دارائی موافقت بفرمایند سه تن تبدیل شود و از مجلس هم تمی میکنم که توجه بفرمایند که قسمت اعظم این تماس مأمورین دولت را با مردم کم میکنند و اسباب راحتی مردم را تا حدی فراهم کنند .

رئیس - آقای وزیر دارائی .

وزیر دارائی - در لایحه ۳ دوازدهم که گذشت راجع بمعاذاتهای خرده مالکین و مالکین

نشده است میتوانند با دادن مخارج ممیزی تقاضای تجدید ممیزی نمایند .

رئیس - آقای وزیر دارائی با توضیحی که دادند دیگر موردی ندارد (معتمد دماوندی - پس گزینم) پیشنهاد آقای آزاد فرائت میشود . (شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورایی - پیشنهاد میکنم جمله استثنای در سال ۱۳۲۸ در نقاط حاصلخیز که محصول خوب باشد مازاد را تا ۵ برابر کنیم و ۳ برابر جو مالیاتی ترقی دهند باین ترتیب اصلاح شود . چنانچه وزارت دارائی تشخیص بدهد که میزان غله مالیاتی و مازاد کفاف مصرف را نمیدهد از بودجه اداره غله بنرخ روز کمبود را خریداری نماید .

رئیس - آقای آزاد این را مسترد فرمائید .
آزاد - تخیر من مقصود اینست که عوض اینکه ۵ برابر بگیرند آن ۳ برابر را بگیرند اگر کسر داشتند بروند بخردن بنرخ آزاد .

رئیس - پس فرمائید .

آزاد - من همیشه مخالف بودم با قوانینی که کش دارند این قانون بعقیده بنده در دو قسمت خیلی کسکدار است یکی آن قسمتی است که تذکر داده است که در نقاطی که حاصلخیز است و محصول زیاد است عوض سه مقابل پنج مقابل بگیرند یکی دیگر این قسمت آخر نوشته است که دولت میتواند از سه تا پنج برابر بگیرد بنده عقیده ام اینست که قانونی که مجلس وضع میکند بایستی تا اندازه ای محدود باشد که مأمورین دولت نتوانند سوءاستفاده کنند . در دو جای این قانون مأمورین دولت سوء استفاده میکنند یکی اینکه میگویند نقاطی که محصول خوب است میتوانند عوض سه مقابل پنج مقابل بگیرند روی این قسمت مأمورین دارائی در شهرستانها میتوانند در این نقطه اینکه محصول خوب نبوده است برای استفاده خودشان بگیرند که اینجا محصول خوب بوده است بنابراین بنده معتقد هستم که وزارت دارائی اگر چنانچه میداند ۴۵ هزار تن از بابت مالیات مطالبه میکند سه مقابل هم مازاد میگیرد و اگر چنانچه تشخیص داد کم است از بودجه ای که اداره غله دارد مازادش را بخرد و در دسر برای مردم فراهم نشود

رئیس - آقای وزیر دارائی .
وزیر دارائی - پیشنهاد آقای آزاد و اشکال دارد اشکال اولش اینست که وقتی يك چنین قانونی گذشت هیچ مالکی را دولت نمیتواند مکلف کند گندم را بنرخ آزاد بخرد و بنرخ رسمی بفروشد گندم را نگه میدارد و بجای اینکه هر تنی دوست تومان بفروشد تنی دوهزار تومان بفروشد و ما محتاج مشومیم بجای تنی سیصد تومان تنی دو هزار تومان بخیریم اشکال دومش اینست که وقتی ما تنی دوهزار تومان خریدیم ما بجه قیمت بفروشیم يك نرخ ثابتی هم برای نان در شهرها معین میکنیم باینجهت اگر چنین فکری را بخواهیم عملی کرده باشیم هم در جمع آوری تأثیر دارد و هم قیمت بسیار بالا میرود و هم این نسبتی که فرمودید هزار درجه بدتر است وقتی ما گندم بنرخ آزاد نرخ آزاد تشخیص بیاکی است اگر بکمالی بایک مأموری باهم بسازند نرخ آزاد میشود هزار تومان اگر نساژند میشود نرخ میشود صد تومان .

رئیس - آقای رضوی

ابوالحسن رضوی - بنده هم میخواهم عرض کنم آقای بطور کلی وزارت دارائی خاصه در يك لایحه قانونی نباید معترف بشود باینکه نرخ از برای بکمتای انحصاری غیر از اینکه خودش خریداری میکند وجود دارد خاصه بر اینکه دولت بایست معتمد بشود در آرسال هر چه کم بود پیدا کرد و برود بنرخ آزاد خریداری کند نرخ آزاد نرخ غیر معلومی است و در هر سالی يك نرخ آزادی مادی و بایک تبارانی خیلی مختصر ممکن است قیمت را خیلی بالا ببرند باینجهت بنده خواستم حضور آقای عرض کنم که اگر وزارت دارائی اعلام بکند که اگر کسر آوردیم از آقایان مالکین خریداری نمیشود ممکن است بهتر جمع آوری کرد تا این طرز از اینجهت با توجه با رزاق عمومی و اینکه دست دولت در امر غله باز باشد و چون این امر مربوط بنان مردم است و بایستی توجه کرد بنده معتقدم که جنابعالی اساساً این پیشنهاد را مسترد فرمائید یا بر فرض میخواهید فرمائید طوری نباشد که وزارت دارائی اختیارش بیشتر باشد از برای اینکه بقیمت زائد بر قیمت اول سال خریداری میکند این اشتباه را در غالب سنوات وزارت دارائی کرده است که در اول سال يك قیمت نرخ معین کرده در اواسط یا اواخر یک قدری نرخ را بالا برده این اشتباه موجب شده است که اساساً تمام فعلیاتی که از برای جمع آوری غله در ایالات و ولایات بکار میرود کاملاً فلج مانده و اگر چنین موضوعی هم در قانون باشد بنده میتوانم عرض بکنم که موجب جمع آوری غله در هیچ جای مملکت نخواهد بود (صحیح است)

رئیس - باید رای گرفته شود .
آزاد - بنده معتقد هستم که ۲ برابر و ۳ برابر و ۵ برابر اسباب زحمت مردم میشود این را منقطعش فرمائید که معلوم شود .

رئیس - رای گرفته میشود پیشنهاد آقای آزاد آقایانیکه موافقت قیام کنند (عده کمی برخاستند) مورد توجه واقع نشد عرض کنم باز پیشنهاداتی هست آقایان با اختصار توضیح بدهند بلکه زود این لایحه بگذرد والا ناچار میشوم که از سه ساعت جلسه بیشتر شود چون حداقل سه ساعت است پیشنهادات را قرائت فرمائید .

(پیشنهاد آقای حائری زاده بشرح زیر قرائت گردید)
مازه واحده ذیل را بجای خبر کمیسیون دارائی تقدیم مینمایم :

مازه واحده - وزارت دارائی مکلف است بنرخ رسمی گندم و جو و برنج خریداری نموده در سیلو برای رقابت با محتکرین ذخیره نماید و تا حوائج داخلی رفع نگردد از حمل و نقل بفرز و خروج آن از کشور مانع شده در داخله حمل و نقل و خرید و فروش جزئی و کلی آزاد باشد .

تبصره - قسمت اول تبصره پنج قانون دو دوازدهم ۱۳۲۸ لغو میگردد .

رئیس - آقا برنج را که حساسی ندارد دولت بخرد .

ابوالقاسم امینی - چه اصراری دارید جنابعالی فارس هم که برنج میکارند .

رئیس - دولت مجبور نیست که کسف جنابعالی را بخرد یا لویای دیگری هم بخرد این وارد نیست .

حائری زاده

مخالف بودم نوبت بن که عرایضم را بکنم نرسید این پیشنهاد را که بنده تقدیم کردم برای اینست که ما بایست ببنیم که اداره غله فایده اش و نتیجه اش و ضررش برای مملکت چیست اصلاً دولت یکی از ۳ عمل را میتواند انجام بدهد یا یکی از رزاق عمومی را خودش در دست بگیرد حوائج عمومی را بدهد در روسیه هم این رویه را خواستند اتخاذ بکنند و مستاصل شدند این يك طریق است که دولت در تمام ارزاق عمومی دخالت میکند جمع آوری میکند و معاش مردم را میدهد این رویه عملی نیست و نخواهد بود و دولت پیش هم نگرفته و نخواهد گرفت يك طریق دیگر هست که دولت دخالت نکند در عمل ارزاق عمومی بگذارند مردم خودشان زراعت بکنند و بخردند و بفروشند این را هم اگر اخلاق عمومی و تربیت اسلامی بود خیلی مفید بود ولی اگر دولت بکلی بی دخالت باشد محتکرین پدر مردم را در میآورد پس این قسمت هم عملی نیست يك شق ثالثی دارد دولت خشتی کند عمل محتکرین را یعنی رقابت کند با محتکرین ، ارزاقی همیشه در سیلو ذخیره و موجود داشته باشد ولی تجارت خرید و فروش و حمل و نقلش در داخله ایران آزاد باشد يك نقطه اینکه گندم زیاد دارد برای حملش بنقطه دیگری که کسر دارند از آنرا مأمور مالیه تولید مزاحمت میکنند آزاد باشد این رویه که دولت رقابت بکند با محتکرین يك رویه است که با اوضاع و احوال مملکت ما مناسبت بیشتر دارد . ارزاق عمومی ما یکدفعه زیادتر از حاجت ممکن است باشد آنوقت البته باید اجازه حمل بخارج هم داد ولی اول خرمن اول محصول باید جلو گیری بکنند که بطرف مرز و یا سرحدات حمل نشود ، مرزها را جلو گیری بکنند که خارج نشود و قتی که حوائج عمومی مرتفع شد دولت هم اجازه بدهد بخارج بکنند در داخله يك با هم و دو هوا هیچ منطقی ندارد در تهران نان را يكمن ۹۹ ریال بفروشند در میانه يكمن ۲۷ ریال بفروشند هیچ تناسبی بین این رویه نیست (صحیح است) چرا این مبنی بردخالت دولت است که روی منطق و فلسفه نیست دخالت دولت که دستگاه مجهزی که بتواند درست اندازه بکند ندارد باید همین اندازه باشد که سیلوهای خودش را پر بکند بعد خودش کنار بنشیند و تهدید بکند محتکرین را که قیمت غله از قیمت عادی هیچوقت تجاوز نکند در دوره استبداد زمان ناصرالدین شاه باینکه وسائل حمل و نقل مثل حال الان بود جمعیت ایران هم مسلماً آرزو کمتر از حالا نبود مردم حالا خیلی از این مملکت هجرت کرده اند و رفته اند بدبخت و بیچاره و نطفه و نیست و نابود شده اند ارزاق عمومی را آرزو اجازه حمل بخارج ایران نمیدانند ولی در داخله هم دولت ما هیچ دخالتی نداشت فقط گندم خالصه را در انبارهای خودش نگاه میداشت دولت برای تهدید محتکرین برای مرعوب ساختن آنها باینکه میخواهند از زحمت مردم کسب و کار بکنند یکی دو ماه سه ماه آخر سال اگر محتکرین جلو فروش جنس را می گرفتند انبار دولت و خالصجات آذوقه شمارا تأمین میکرد که جلوی احتکار را بگیرند مابقی آزاد بود امروز یکی از بدبختیهای ما این است که تهران جمعیتش زیاد شده و فقر و فلاکت و بدبختی سرتاسر مملکت را گرفته است آنقدر دهاتی مبینند در دهان گرانتر از شهر تهران است این دو خر واز سه خر واز جنسی هم که دارد میفروشد و بیاید بهران برای اینکه

نان ارزانتر است و هلگی میکند نه خانه و نه منزل و نه مسکن دارد دهات لم بزعم میافند تهران هم فقرو بیچارگی سرتاسرش را گرفته این پیشنهادی که بنده کردم نظردولت را که موافق مصالح مملکت باشد تأمین میکند انبارهای خودش را سیلوها بیکه دارد از گندم و جو و برنج از ارزاق پر کند و آزاد بگذارند ناوهارا خودشان برونند خرید بکنند . آرد پیدا بکنند بیزند و بفروشند معنی ندارد که تهران نان ارزان بخورد ولی در شهرهاییکه مرکز غله است مردم را از گرسنگی بگذارند تلف بشوند این دخالتی را که دولت نمیتواند از عهده اش بر آید این را بعقیده من باید موقوف بکنند این ماده واحده را من مجدداً قرائت میکنم که آقایان ترجه بکنند که نظر دولت تأمین شده آزادی حمل و نقل جنس هم در داخله رعایت شده است من پیشنهاد کردم نوشته شود « وزارت دارائی مکلف است بنرخ رسمی گندم و جو و برنج خریداری نموده در سیلو برای رقابت با محتکرین ذخیره نماید و تا حوائج داخلی رفع نگردد از حمل و نقل بفرز و خروج آن از کشور مانع شده در داخله حمل و نقل و خرید و فروش جزئی و کلی آزاد باشد » تا مردم این شکلی که گرفتار مأمورین هستند نباشند من در دوسه دوره ۲۰ سال پیش ، ۲۸ سال پیش از طرف یزدی هایمان در مجلس بودم همه ساله دیدم مراجعه میکنند که آذوقه نداریم از همدان از کرمانشاه خریداری میکنند و نان میخورند دولت که نان نمیدهد بآنها دولت در دو سه جا برای اینکه چه مصلحتی برای آنجا ایجاد کرده است بآنها غله میدهد مردم مابقی باید خودشان از نقاط دیگر غله تهیه کنند و حمل کنند آتیم مانع میشوند بنده میگویم آزاد باشد .

رئیس - این را نمیشود رای گرفت پیشنهاد برنج نمیشود رای گرفت .

حائری زاده - برنج را من حذف میکنم .

رئیس - بسیار خوب آقای مخبر فرمائید .

مخبر - بنده پیشنهاد میکنم محترم اطمینان میدهم که دولت عملاً نظر جناب عالی را در نظر دارد و تأمین میکند باین طریق که دولت مصمم است در سال جاری تمام هم خودش را مصرف بدارد که سیلوها در هر جا که هست پر باشد و پس از اینکه این نظر را در همه جا تأمین کرد خود دولت هم تصمیم دارد آنوقت آزاد بکند بنا بر این جناب عالی چون نظرتان با این وضع تأمین میشود مسترد فرمائید .

حائری زاده - پس میگیرم .

رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت بشود (پیشنهاد آقای دهقان بشرح زیر قرائت گردید)
تبصره زیر را برای الحاق بخبر کمیسیون دارائی پیشنهاد مینمایم .

تبصره از تاریخ تصویب این قانون تا یکماه مالکینی که بمیزی املاک خود اعتراض دارند میتوانند اعتراض خود را با ذکر دلائل موجه بتردیدترین اداره دارائی ارسال دارند در صورتیکه وزارت دارائی اعتراض را وارد بداند بخرج مالک مأمورین برای تجدید ممیزی اعزام خواهد داشت و ملاک پرداخت مالیات و مازاد این قبیل املاک در سال جاری بآنحد ممیزی جدید خواهد بود .

رئیس - آقای دهقان .

دهقان - در اینجا چند پیشنهاد مختلف در این مورد داده شد و صحبتی هم شد که این گمان میکنم جامع جمیع آن صحبتها است بنده اصولاً معتقدم که آن املاک که آباد شده نباید تجدید ممیزی شود برای اینکه آبادانی تشویق بشود باید مزد دست آتھائی باشد که این املاک را آباد کرده اند و این تفاوت را باید داشته باشد با آنها باینکه کار نمیکند و بفکر آبادانی نیستند ولی يك املاکی هم هست که الان اگر تمام تولدش را بخواهند بدهند برای مالیات باز کفاف مالیات آن ممیزی که در سال ۱۳۱۳ شده نمیکند بنده این پیشنهاد را کردم که بدر دل این مالکینی که بآنها اجحاف و تعدی میشود برسند و از جهة اینکه خرج اینهم بعهد دولت نباشد گفتیم آن کسانی که احتیاج به تجدید ممیزی دارند خرج آن را هم خودشان بدهند علاوه در صورتیکه وزارت دارائی این اعتراضات را وارد بداند اقدام بمیزی جدید بکند بنده استدعا میکنم بنام مالکینی که حقاً و واقعاً حق اعتراض ممیزی جدید را دارند این را دستور فرمائید که رفع تعدی از این مالکین بکنند .

رئیس - آقای وزیر دارائی .

وزیر دارائی - پیشنهاداتی که میشود آقایان توجه نمیرمایند مکرر پیشنهادات داده میشود اینکه مالکین و یا دولت تقاضا کنند اینها تمام بحث شد و تمام شد حالا باز دو باره پیشنهاد میفرمائید که اگر مالکینی باشند اگر اعتراضی داشته باشند تقاضا بکنند تجدید ممیزی بکنند بنده عرض کردم مالیات مازاد همان ممیزی سال ۱۳۱۳ را قبول بکنند اگر نمیخواهند قبول بکنند این اعتراض باید از طرفین باشد پس اگر این اعتراض برای مالک است برای دولت هم باشد و این معنی ندارد که دولت تقاضای تجدید ممیزی بکند مردم حق نداشته باشند یا مردم تقاضای تجدید ممیزی بکنند دولت حق نداشته باشد ولی يك پیشنهادی که آقای ملک مدنی فرمودند که در جمله اعتراضات شد این نظر آقا را تأمین میکند و این دیگر حالا موردی ندارد اینست که بنده استدعا میکنم که این پیشنهادتان را پس بگیرد برای اینکه هم بحث شده و هم مذاکره شده و هم يك قسمتش تصویب شده است .

مخبر - بنده اطمینان میدهم که نظر جنابعالی در جای دیگر منظور و تأمین شده است و قریباً هم از نظر خودتان خواهد گذشت اینجا در کمیسیون قوانین دارائی يك لایحه ای راجع باصول مالیاتها بر حسب پیشنهاد دولت از چند قبیل باینطرف در کمیسیون دارائی مطرح شد در آن لایحه منقح شده در آنجا يك لایحه بخصوصی برای اجراء همین ممیزیها باینجهت مورد اعتراض است وجود دارد و بعد از این لایحه امیدوارم که مطرح بشود و نظر جنابعالی در آنجا منظور است چونکه این لایحه مالیاتی که نیست و همانطور که فرمودند باینجهت پیشنهاد آقای ملک مدنی که مجلس شورای منی هم رأی داد نظر جنابعالی تأمین شده زیر ادرایم مقرر است که بممیزیهای هم که اعتراض نیست وزارت دارائی رسیدگی خواهد کرد بنده از این فرصت استفاده

میکند و بمرض آقایان میرسانم چون آقای آزاد اظهار نگرانی کردند راجع بعبارت ماده فرمودند که چون این کسکدار است ممکن است در عمل بهانه بدست مأمورین بدهد و اسباب زحمت برای مردم از يك برابر تا ۵ برابر بشود همه جا مثلاً ۵ برابر مطالبه بکنند خیر اینطور نیست آقای آزاد آقای وزیر دارائی الان به بنده اطمینان دادند که بعضی اینکه این قانون بگذرد تلگرافی بنام شهرستانها دستور خواهم داد که در مرکزها استانی کمیسیونی از استاندار یا فرماندار و رئیس دارائی و رئیس دادگستری و دو نفر از کشاورزان متعمد محل تشکیل بشود و هر نقطه ای که آن کمیسیون تشخیص داد حاصلخیز است و در اسسال حاصلش خوب خواهد بود ممکن است مازاد را تا ۵ برابر بدهند اگر آن کمیسیون تشخیص داد تا ۵ برابر و الا از يك برابر تا سه برابر خواهند گرفت پس نظر آقا تأمین است .

دهقان - بنده با وعده ای که آقای مخبر دادند پس میگیرم .

رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت بشود . (پیشنهاد آقایان دکتر مجتهدی و بهادری بشرح زیر قرائت گردید)

ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد مینمایم که عبارت یکهزار کیلو در ماده واحده تبدیل شود به دوهزار کیلو .

رئیس - اینکه مورد توجه واقع شد پیشنهاد دیگری قرائت شود .

(پیشنهاد آقای دکتر ملکی بشرح زیر قرائت گردید)
پیشنهاد میکنم تبصره زیر بماده واحده اضافه شود :

تبصره - دولت مکلف است قیمت ده در صد از کلیه مازاد تحویلی شهرستان را تحت نظر انجمن شهرستان و بهداری محل بصرف بهداشت همان شهرستان برساند .

رئیس - این وارد نیست ، پیشنهاد دیگری قرائت بشود .

(پیشنهاد آقای عباس مسعودی بشرح زیر قرائت گردید)

اینجناب پیشنهاد زیر را تقدیم میدارم :
تبصره - دولت مکلف است جمع آوری غله را طبق این قانون متتها تا آخر مهرماه ۱۳۲۸ انجام داده و بعد معاملات غله و نان را در داخل کشور آزاد گذارد و فقط نظارت و مراقبت در تعدیل نرخ داشته باشد .

صادرات غله در صورتی مجاز است که دولت تشخیص دهد مازاد را احتیاج در داخل کشور وجود دارد .

رئیس - آقای عباس مسعودی .

عباس مسعودی - در اینجا دولت بایستی واقعاً نان تمام کشور را تأمین بکند و یا این که فقط بمنظور احتیاط مواظب و مراقب باشد و چون بتجربه ثابت شده که دولت نتوانسته است نان کشور را تأمین بکند یعنی نان را تمام مردم يك نرخ بخردند باینجهت بنده این پیشنهاد را داده ام که معاملات غله را در داخله آزاد بگذارند و بمنظور ذخیره موری جلو گیری از ترقی و تنزل قیمت هر دو یکمقدار لازمی دولت گندم در سیلو ذخیره نگاهدارد که هر موقع گندم زیاد شد وزارتین و قیمت پاندازه ای

تغول کرد که برای زارمین و مالکین صرف نکرد منظور اولیه اینکه برای آن اداره غله وجود آمده همان نظر را اصلاح بکنند یعنی اگر غله تأمین شد و برای زارع ضرر میبکند دولت در آن وقت خرید بکند و در موقعی که قیمت بالا می رود و کماب می شود دولت فروش بکند بقیه کار را بخود مردم واگذار بکنند و در غیر اینصورت معاملات غله را در تمام کشور آزاد بکنند بقیه فقط دولت نظارت داشته باشد که از تفرقی جلوگیری بشود اگر دولت بخواهد که اصرار داشته باشد بر اینکه نان مملکت را تأمین بکند بنده حرفی ندارم پس میگویم در اینصورت دولت اقلاً باید دو میلیون تن گندم داشته باشد در انبارهایش تا اینکه بتواند که اطمینان داشته باشد که تمام مردم میتوانند نان بدهند و چون نمیتواند فقط ۱۸۰ یا ۲۰۰۰۰۰ تن خواهد توانست غله ذخیره بکنند این کافی خواهد بود بازار غله را نگه بدارد بخصوص اینکه گذشته به نشان داد که نمیشود دولت نرخ نان دولتی را هم نمیتواند در همه جای کسان نگاهدارد در تهران مثلاً میدهند کیلویی سه ریال اما یکی از آقایان نمایندگان آذربایجان بنده تذکر میدهند که در یکی از نقاط باوجود اینکه اداره ثبت نرخ غله هم هست کیلویی ۷ قران نان را میفرشند این عملی که میشود درست نیست یعنی یکجائی کیلویی ۷ قران و یکجائی کیلویی سه ریال بر مردم بدهند یکشیر و دوزخ یعنی یک دکان آزاد بزی است کیلویی هشت ریال یکدکان دولتی بفروشد کیلویی سه ریال این پیدا است که اصلاً روی وضعی نیست که بشود قابل دوام باشد و اطمینان بخش برای مردم باشد این ممکن است هر قدر هم دولت بخواهد جلوگیری کند بازار سیاه و قاچاق را رواج میدهد یعنی آن میزان آردی که دولت میدهد هر روز دولت میدهد بمنظور اینکه نان تهیه بشود آن بطور عجیب و محرمانه هر قدر هم مواظبت کنید می رود بصورت آزادی بی بنا بر این چیزیکه درست میکنند نان آزاد را میدهند ولی نانی را که خودش میدهند بالاخره نانی خواهد بود مخلوط از مواد خارجی و خیلی تفاوت نرخ پیدا میکند بین آزاد بزی و نرخ رسمی دولتی این است که ناچار آردی را که از دولت میگیرند مخلوط خواهند کرد و نان خوب بر مردم نمیدهند بنابراین بنده گمان میکنم اگر سیاست دولت برود روی آزادی عمل افراد مملکت و فقط دولت نظارت داشته باشد بر نرخ که تخلف هم نکنند این بهتر است هم خرده مالک و هم زارع و هم مردم این مملکت راحت میشوند مازاد آنرا بقیه را هم بخود مردم واگذار بکنند و توجهش را هم جلب بکنند که از صادرات در سالهاییکه محصول کماب است جلوگیری بکنند در صورتیکه مازاد دارد بنده اضافه میکنم که صادرات غله در صورتی مجاز است که دولت تشخیص بدهد که غله با اندازه کافی در داخله کشور وجود دارد یعنی در حقیقت با اجازه دولت باشد یعنی صادرات غله ممنوع باشد مگر با اجازه دولت در اینصورت نگرانی رفع میشود غله ای که مورد احتیاج خود مردم است تأمین میشود و قطعاً هم نان شهرها اداره خواهد شد

رئیس - آقای وزیر دارائی

وزیر دارائی - اختلاف نظری که بنده با آقای مسعودی دارم از اینجهه است که آقای مسعودی معتقد هستند همینطوریکه قیمت تمام اجناس روی عرضه و تقاضا است خوبست که دولت قسمت نان را

هم ول بکنند و برود روی عرضه و تقاضا یعنی صریحاً اظهار عقیده میفرمایند که اگر قیمت نان در تهران یکسره تومان باشد اهمیتی ندارد چرا؟ برای اینکه بیاز این قیمت دادارد ولی یک چیزی هم اینجا عرض میکنم که نان از چیزهای ضروری و لازم برای مردم این مملکت است و وقتی که ما تصدیق می کنیم که اکثریت مردم این مملکت فقیر و بیچاره هستند اگر یک روز هم قیمت نانی را که ممکن است نان خالی یکم ۹ ریال بخورد این را هم سه تومان و چهار تومان و پنج تومان بکنند دیگر اصلاً زندگی برای مردم قابل دوام نیست اما حالا این قسمت را میفرمایند قابل اشکال هست بنده عرض میکنم نوشته ای تا آخر مهر ماه جمع آوری غله بکنیم آقا یک قسمت محصول ما تا آخر مهر ماه هنوز درو نشده است تمام آذربایجان قوچان یک قسمتی از همدان، زنجان کردستان یک قسمتش تا آخر مهر ماه اصلاً درو نشده است که میگویند جمع آوری بشود. دوم اینکه روی اصل اقتصادی وقتی میتوان یک جنسی معادل قیمت واقع شود که توانائی نسبت با آزاد اینقدر باشد که اگر احتیاج شد و تقاضا زیاد شد بتواند آن مقدار که تقاضا میشود عرضه بدارد حتماً هم آنقدر تقوی و ایمان در مردم باشد که آن قیمتی را که بعنوان معادل قیمت می خواهد عرضه بکند بجای اینکه بخواهند ببرند توی خانه شان قایم بکنند و قتیکه امروز دولت تصمیم دارد نان نانوای تهران که بهر قیمتی شده است گندم را تنی ۲۴۰ تومان بفروشد که نان را یک من ۹ ریال بفروشد باز میفرمایند این گندم را بر میدارد و مازاد آن را میفروشد فراوانست اگر که توانائی دولت محدود است و از پنجاه هزار تومان بیشتر نیست وقتی هم که آزاد گذارد خبازان آزاد بزی میروند قیمت گران از مالکین میخرند و دیگر برای دولت گنمی نخواهد ماند و تهیه گندم از خارج مملکت برای بعضی توضیحاتی که عرض کردم باوضع خواربار جهانی باین آسانی نیست بقیه داشته باشید در تهران روی این مصرفی که هست هر قدر شما از اطراف گندم بدهید میبرند و قایم میکنند دولت ۲۲۰ تن در تهران گندم میدهد مصرف گندم تهران بیش از ۲۷۰ تن نیست این که میفرمایند آزادی بزی هم است و آنهم ضمن مقداری است که دولت میدهد باوجود این هنوز دولت نتوانسته است قیمت را ثابت کند یعنی با اینکه ما ۲۴۰ تن میدهم سی و چهل تن هم آزاد بزی است این تفاوت قیمت وجود دارد اگر یک روزی ما بگوئیم که گندم نمیدهم معلوم نیست قیمت چقدر بالا می رود و دیگر حساب نمیکنند که از کرمانشاه بخرد و خروار سیصد تومان که میبدهند بیکر تبه نان میرسد بیکر دو تومان سه تومان و در این زمستان که راه بسته شد پنج تومان و ده تومان شد این است که پیشنهاد شما از این حیث عملی نیست و اما در موضوع مهر ماه قسمتی از محصول را ما در مهر ماه جمع آوری بکنیم و بگذاریم توی انبار خرج هم نکنیم و بگوئیم مردم خودشان بروند گندم بیاورند و نان تهیه بکنند چون دیگر گندمی نیست و مقدار تقاضا زیاد خواهد شد، چون تمام خباز ها می آیند برای خرید گندم وقتی میزان تقاضا بیشتر شد عرضه کم شد قیمت بالا می رود و از نرخ دولتی ۵۰ درصد و صد درصد اضافه خواهد شد این موجب ترقی معیشت میشود آنوقت وقتی قیمت خیلی بالا

رفت این فرمایشی که میفرمایند خیلی تئوری است و ممکن است امروز هم مجلس قبول بکند ولی خود آقای مسعودی که انشاء الله در مجلس آتی تشریف خواهند داشت اگر در تهران صدائی بلند شد و گفتند آقا نان نداریم آن دولت بیچاره ای که روی کار خواهد بود گرفتار میشود و کار از کار گذشته گندمها از سنگر خارج شده با در انبارهای محتکرین جمع آوری شده مردم بیچاره هم زیاد از گرسنگی آن دولت بدبخت هم نمیدانند چکار بکنند این است که بنده از آقا تقاضا میکنم این پیشنهاد را که عملی نیست مگر آنروزی که بنده عرض کردم که دولت صد هزار تن گندم از خارج بخرد بیاورد و در سیلوهایش بگذارد و بیکر رزرو عمومی مملکت باشد پس بگیرند و ماهی نه اینکه بیکر تبه قطع بکنند بتر بیج بتوانیم بجای ۲۰۰ تن ۱۰۰ تن بدهیم نه اینکه صبح بلند شد و گفت از فردا نمیدهم آنوقت روزی است که امرنان در تمام مملکت مختل خواهد شد و نه مجلس شورای ملی و نه هیچ دولتی نمیتواند فکر کند که قانون عرضه و تقاضا را ازین میبرد اینست که بنده از شما تقاضا میکنم که این پیشنهادتانرا که نه عملی است و نه قابل اجرا خواهد بود مگر اینکه مجلس صریحاً تصویب بکند که اگر یک روزی نان یکم ده تومان شد در مملکت مسئولش دولت نیست پس بگیرند و دیگر بنده هیچ عرضی ندارم

رئیس - آقای دکتر اعتبار

دکتر اعتبار - اگر با این توضیحات کافی آقای وزیر دارائی آقای مسعودی پس میگیرند که بنده عرضی ندارم و اگر پس نمیگیرند دلیل دیگری را عرض کنم

مسعودی - بنده عقیده دارم که این کار مفید است جناب عالی توضیح بفرمایند

دکتر اعتبار - آنچه که بنده میتوانم بتوضیحات آقای وزیر دارائی اضافه کنم این است که موجود آزاد گذاشتن حمل و نقل غله در داخله کشور و معامله غله یک اشکال بزرگ دارد و آن اینست که دستگاه فعلی ما قادر بجلو گیری از خارج شدن غله از مرز نیست بعضی اینکه شما این اجازه را بدهید تمام غله می رود بیرون

مسعودی - الان حضور میشود؟

رئیس - آقای مخبر

مخبر - نظر جناب عالی آقای مسعودی یک نظر بسیار اساسی است لیکن دولت و آقای وزیر دارائی با توضیحاتی که دادند برای اجرای این نظر بالفعل آماده نیستند یعنی دستگاه خودشان را آماده می بینند و از طرفی برای اینکه این نظر صحیح و اساسی در مجلس شورای ملی رد نشود بنده از جناب مستطاب عالی تمنی میکنم که پیشنهادتانرا مسترد بفرمایند و بگذارید برای یک فرصت بهتری که بدست آید و مقتضیات فراهم شود آنوقت توجه بفرمایند که عملی شود

مسعودی - با توضیحاتی که آقای امیر تیمور دادند و توجهی که آقای وزیر دارائی باین موضوع خواهند داشت که این نظر را در آینده تأمین بفرمایند که موجبات این کار را بزرگی برای این مملکت فراهم بیاورد که سعادت این مملکت در این است از این جهت پس میگویم

رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(پیشنهاد آقای مهدی ارباب بشرح زیر خوانده شد)

نقاطی را که وزارت دارائی برای تحویل غله تعیین میکند فاصله آن تا محل تحویل از ۶ کیلو متر تجاوز نکند (صحیح است)

رئیس آقای ارباب

مهدی ارباب - چون اینجا معین نیست که حاصله اش چقدر است مضافاً اینکه مشمول جریه فرار میگردد این است که تقاضا دارم که یک فاصله ای معین شود

رئیس - آقای مخبر

امیر تیمور (مخبر) - این پیشنهاد با لفظ عملی نیست چون نقاطی که معلوم میشود مراکز دهستانها است و این ۵ فرسخ و ۶ فرسخ بیشتر فاصله دارد اگر میفرمایند ۵ فرسخ بشود ممکن است موافقت بشود و بنده باسی کیلو متر موافقم

مهدی ارباب - از ۱۸ تا ۳۰ کیلومتر موافقم

مخبر - خیر ۳۰ کیلومتر موافقم

رئیس - ۳۰ کیلو متر را موافقت آقای ارباب؟

مهدی ارباب - از ۱۸ تا ۳۰ کیلو متر را موافقم

ملک مدنی - اجازه میفرمایند؟

رئیس - بفرمائید

ملک مدنی - این بهتر است بکندری درش بحث شود این پیشنهاد عوض اینکه نفع بدهد ضرر میدهد پیشنهادیکه آقای امیر تیمور مخبر محترم فرمودند که آقای وزیر دارائی هم قبول میکنند که ۵ فرسخ که ۳۰ کیلومتر است باشد آنوقت موجب میشود که وزارت دارائی در نقاطی که انبار در دهستان و بلوک است انبار دار و انبارها را بر میدارد می رود شهر اصلاً نباید این اختیار را بدهند وزارت دارائی

مهدی ارباب - پس گرفتیم

رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود

(پیشنهاد آقای کهید بشرح زیر قرائت شد)

دولت مکلف است نقاط حاصلخیز را تا مدت یکماه تعیین و آگاهی نماید و در صورت بروز اختلاف نقاط حاصلخیز بین مالکین و دارائی کمیسیون مرکب از فرماندار، نماینده دارائی، نماینده یا انجمن شهر و دو نفر از معتمدین محل تشکیل و با کثرت هر تصمیمی را که اتخاذ نمایند معتبر خواهد بود

رئیس - این رده شد

کفائی - این رده شده است

کهید - کی رده شده است اینرا بنده پیشنهاد کردم در صورت بروز اختلاف بین دارائی و مالک بنده اینجا پیشنهاد کردم

بهادری - آقای مکرّم پیشنهاد کردند و رد شد

رئیس - بفرمائید توضیح بدهید

کهید - چرا نمیگذارید توضیح بدهم بنده اینجا پیشنهاد کردم خود آقای وزیر دارائی هم قبول کردند اگر اختلافی بین مالک و نماینده دارائی شد بیک کمیسیون که مرکب از فرماندار نماینده کشاورزی و نماینده دارائی و دو نفر از معتمدین محل باشد رجوع شود آنها بنشینند و با اتفاق تصمیم بگیرند که آیا مالک حق میگوید یا دولت حق میگوید خود

آقای وزیر دارائی هم با این نظر موافقت آقای وزیر دارائی موافق نیستند؟ (یکی از نمایندگان - و نماینده دادگستری) نماینده دادگستری را هم اضافه میکنم که او را هم دعوتش کند

رئیس - این مشابه پیشنهاد آقای مکرّم است که بهید - اگر اختلاف شد تکلیف چه میشود؟

مخبر - بنده بعرض مجلس رساندم که آقای وزیر دارائی وعده دادند که بعد از تصویب این قانون دستور خواهند داد که در مرکز شهرستان یا استان کمیسویی از استاندار یا رئیس دادگستری و رئیس دارائی و دو نفر از معتمدین محل تشکیل شود و هر نظری که هست آنها تعیین خواهند کرد و بنده اینجا صریحاً بجناب عالی عرض میکنم که جای نگرانی نیست و آقای وزیر دارائی هم وعده فرمودند

کهید - باین توضیحی که آقای مخبر دادند پس میگویم

رئیس - پیشنهاد دیگر قرائت میشود

(پیشنهاد آقای موسوی بشرح زیر قرائت شد)

تشخیص نقاط حاصلخیز و خوبی محصول و تعیین چند برابر مازادیکه به نسبت مالیات وصول میشود بعهده کمیسویی خواهد بود که در مرکز شهرستان از فرماندار و رئیس دارائی و رئیس کشاورزی و رئیس انجمن شهر و یک نفر از طرف مالکین تشکیل میگردد خواهد بود

رئیس - این مشابه با پیشنهاد آقای مکرّم است

موسوی - چون آقای وزیر دارائی هم قبول فرمودند بنده عرضی ندارم

رئیس - پیشنهاد آقای باقائلیج قرائت میشود (بعضی از نمایندگان - پس گرفتند) مثل مزاح شده است پس گرفت پس گرفت چیست؟ قرائت کنید

پیشنهاد آقای باقائلیج قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم تبصره زیر بلاجه جمع آوری غله اضافه گردد

تبصره - اداره تثبیت غله از شهر بورما ۱۳۳۰ منحل شود و از طرف تثبیت قیمتا نرخ ثابتی برای هر شهرستان معین گردد و چنانچه دارندگان غله از قیمت تعیینی تجاوز نمایند بپرداخته برابر میزان تجاوز محکوم شوند

رئیس - این وارد نیست

باقائلیج - بنده اجازه میخواهم توضیح بدهم تمام بدبختی های این مملکت مال اداره غله است

رئیس - پیشنهاد آقای دادور قرائت میشود

دادور - بنده پس گرفتیم

رئیس - پیشنهاد آقای ملک مدنی قرائت شود

ملک مدنی - بنده هم پس گرفتیم چون تأمین شده است

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای کهید قرائت شود

کهید - بنده هم پس گرفتیم

رئیس - پیشنهاد آقای نوری قرائت میشود

نوری - بنده هم پس گرفتیم

رئیس - پیشنهاد آقای مکرّم قرائت میشود

مکرّم - بنده هم پس گرفتیم

رئیس - پیشنهاد آقای کامل ماگویی و نورالدین امامی قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

قیمت نان دولتی در تمام کشور مساوی خواهد بود

رئیس - آقای نورالدین امامی

نورالدین امامی - بنده زیاد توضیح نمیدهم شهرستان خوی سال گذشته شش هزار تن گندم تحویل داد آنوقت همینطور که آقای مسعودی توضیح دادند آنجا نان دولتی کیلویی هفت ریال است در طهران سه ریال است چرا باید اینطور باشد؟

رئیس - این را هم استدرد بفرمائید یک پیشنهاد دیگر هم مال آقای ملک مدنی است که قرائت میشود

ملک مدنی - بنده پس گرفتیم نظرم تأمین است

رئیس - بنا بر این باید رأی بگیریم عده کافی نیست

باقائلیج - از روی ساعت دو دقیقه اجازه بدهید بنده توضیح عرض کنم حتماً بضرر مملکت نخواهد بود

رئیس - باید نظامنامه اجازه بدهد

باقائلیج - ارفاقاً اجازه بدهید

رئیس - تمنی میکنم آقایان اجازه بدهند ایشان دو دقیقه صحبت کنند بفرمائید

باقائلیج - اینهمه مذاکره در اطراف غله و این وضعیت رفت باری که در این مملکت ایجاد شده است و اینهمه پیشنهاداتی که هیچکدام باری از شانه ملت برنمیدارد خنده ام میگیرد گاهی میخواهم فریاد بزنم که آقا ما خودمان این وسایل را فراهم میکنیم بنده الان پیشنهاد میکنم که با ضمانت بانک ملی و بانک شاهی سه ساله این مخارج را که دولت متحمل میشود و مخارجی که برای جمع آوری میکند در اختیار بنده بگذارند بنده اسامی مصرف غله ایران را میدهم با همین نرخ سالی هم یکمیلیون از سال سوم تا ده میلیون برای صادرات تحویل میدهم (احسن)

رئیس - اعلام رأی شده اکثریت برای اخذ رأی نیست صورت اسامی غائبین جلسه سه شنبه قرائت میشود وغائبین این جلسه هم در جلسه آینده قرائت میشود با استثنای آنهاست که اجازه دارند

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: مهندس احمد رضوی حسن اکبر - ایلخان - احمد دهقان

غائبین بی اجازه - آقایان: محمد حسین قشقائی اردشیر شادلو - تولیت - اورنگ - محمد ذوالفقاری - آقاخان بختیار - ابوالقاسم بهبهانی - علی اقبال - عبدالرحمن فرامرزی - ناصرالدین ناصری - محمد تقی بهار - تقی زادمند - کتر علی امینی - منوچهر گلبادی - عباس اسکندری - عباس فاضلی - صفای امامی - خسرو قشقائی

دیر آمدگان با اجازه - آقایان: محسن گنابادی عبد الله وثوق - حاجی آقارضا رفیع - منصف - ناصر ذوالفقاری - دکتر طبیب - سزاوار - نصرت الله اسکندری - ابراهیم افخمی - فتحعلی افشار

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: دکتر بقائی - مهدی ارباب - عزیز زنگنه - محمد علی مسعودی - مهندس

روز و دستور جلسه آینده

نظر بدستور ماده ۹۲ آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی روز و ساعت تشکیل جلسه آینده مجلس شورای ملی و دستور آن برای درج در روزنامه رسمی باستحضار میرسد.

روز تشکیل جلسه آینده - سه شنبه دهم خرداد ماه ۱۳۲۸
ساعت تشکیل جلسه - سه ساعت قبل از ظهر

دستور جلسه :

- ۱ - اخذ رأی نسبت ب لایحه مازاد غله
 - ۲ - مقررات هوایمائی کشوری
 - ۳ - لایحه قانونی آموزش و پرورش اجباری مجانی
 - ۴ - قانون اصلاح قانون تأسیس دانشگاه
 - ۵ - لایحه معافیت ماشین های کشاورزی از عوارض گمرکی
 - ۶ - قانون مالیاتها
- ضمناً انتخاب دوفتر منشی هیئت رئیسه

اداره دفتر مجلس شورای ملی

میکنم توجه کافی بفرمایند و تصویب بفرمائید که در واقع آنها هم بتوانند بوظایف خودشان بپردازند .

۵ - موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - بکمیسیون بهداری فرستاده میشود چون هوا گرم است آقایان موافقت بفرمایند جلسات ساعت ۹ باشد . جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز سه شنبه ساعت نه .

(۵ دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد .)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

آنها استفاده کنیم این يك فداکاری مهمی است که از طرف اطبا خواهد شد در نظر گرفته ایم که با توجه و مساعدت آقایان نمایندگان محترم با موافقت وزارت دارائی در نقاط بد آب هوا همانطور که در بعضی از بنگاهها مثل سازمان خدمات شاهنشاهی بانک صنعتی و غیره رعایت حال یزشگان و مستخدمین شده است اینجا هم رعایت بشود که آن یزشگی که در بندر عباس و بندر لنگه مشغول خدمت است لااقل پول یخی که باید شبانه روز بخورد بتواند بپردازد و تقاضا

هدایت - شریعت زاده - مسعود ثابتی - عباس اسلامی
شهاب خسروانی - دکتر مصباح زاده نیک پور - یمن
اسفندیاری - نیک بی - حبیب الله امین .

رئیس - آقای وزیر بهداری

۴ - تقابیم بحث فی لایحه از طرف وزیر بهداری راجع بهداشت شهرها

وزیر بهداری - يك لایحه مفیدی با کمال افتخار تقدیم مقام مجلس شورای ملی میکنم راجع بقانون بهداشت شهرها است که جلوگیری میکند از اشاعه امراض در شهرها و جلوگیری از تغلف در امور بهداشت شهرها گوا البته نصیبات هم هست مخصوصاً راجع بکارخانجات و راجع بعضی از مسائل و زحماتی که کارخانجات در شهرها اسباب زحمت مردم را فراهم میکند يك مقرراتی وضع شود همینطور از یزشگانی که بدون اجازه مشغول طبابت هستند و داروسازانی که بدون اطلاع مبادرت بکار داروسازی و دوا سازی میکنند (اسامی - لایحه منع مشروبات الکلی را بدهید) و لایحه ای هم راجع بکادر یزشگی است که در واقع تعیین میکند وظایف یزشگان را در نقاط مختلف کشور و ضمن متمم بودجه تقدیم خواهد شد البته هفته گذشته با ترتیبی که خدمت وظیفه برای آقایان یزشگان در مجلس شورای ملی تصویب شد آنها مکلف خواهند بود که در تمام نقاط کشور انجام وظیفه کنند و امیدوارم در نقاطی که تا بحال یزشک نداشتیم بتوانیم از وجود